نشریه علمی آفاق اطلاعات

مبانی فقهی و حقوقی اصل ۲۵ قانون اساسی؛ تعامل بین ضرورت‌های امنیتی و حقوق شهروندی

محسن رییسی[۱]| یاسر سرگل زایی[۲]

۶
سال دوم
تابستان ۱٤۰٤
مقاله پژوهشی
تاریخ دریافت:
۱٤۰٤/۰۵/۰۸
تاریخ پذیرش:
۱٤۰٤/۰۶/۲۲
صص: ۱۸٤-۱۳۷

چکیده

این پژوهش با هدف: تبیین ابعاد فقهی و حقوقی اصل ۲۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به بررسی حدود مشروع مداخله حکومت در حریم خصوصی شهروندان می‌پردازد. اصل ۲۵ ، با تأکید بر ممنوعیت تجسس، استراق سمع، بازرسی و افشای مکاتبات و مراسلات، بر مصونیت ارتباطات خصوصی تأکید دارد و تنها به حکم قانون امکان استثناء را فراهم کرده است . یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد: فقه امامیه، ضمن تأکید قاطع بر حرمت ورود به حریم خصوصی، در موارد خاص و براساس قواعدی چون اهم و مهم، اضطرار، مصلحت عمومی و حفظ نظام، امکان مداخله محدود و مشروع را در مواجهه با تهدیدهای واقعی می‌پذیرد. تحلیل مذاکرات مجلس و بررسی نهایی قانون اساسی نیز مؤید همین دیدگاه است؛ به‌ویژه سخنان آیت‌الله مکارم شیرازی در جلسه ۲۷، که بر ضرورت درج قید استثناء در اصل، برای حفظ مصالح کشور تأکید می‌نماید. این مقاله با رویکرد تحلیلی و تطبیقی، بر ضرورت ایجاد سازوکارهای قانونی، نظارت قضایی مؤثر و تحدید مداخلات به موارد ضروری تصریح دارد و در نهایت الگویی متوازن برای همزیستی امنیت ملی و حقوق شهروندی در نظام اسلامی پیشنهاد می‌کند.

کلیدواژه‌ها: اصل ۲۵ قانون اساسی، حریم خصوصی، امنیت ملی و استثنای مشروع.

۱. استادیار دانشگاه جامع امام حسین (ع)، شهرتهران، کشور ایران.
۲ .دانشجو دکتری حقوق عمومی ، شهر تهران ، کشور ایران.

مقدمه و بیان مسئله

فساد در نظام‌های حقوقی مدرن، حفظ حریم خصوصی افراد به‌ویژه در حوزه مکاتبه ها و و ارتباط‌ها، از ارکان اساسی مشروعیت دولت‌ها به شمار می‌رود. در جمهوری اسلامی ایران نیز اصل ۲۵ قانون اساسی با صراحت، مصونیت ارتباط‌های شهروندان از هرگونه سانسور، استراق سمع یا تعرض را تضمین نموده و آن را تنها در چارچوب قانون و با حکم قضایی، قابل تحدید دانسته است. با این حال، در شرایطی که اقتضائات امنیت ملی، تهدیدهای نرم و سخت، و ضرورت‌های مقابله با جرایم سازمان‌یافته مطرح می‌شود، نهادهای امنیتی و اطلاعاتی ناگزیر از مداخلاتی در این حوزه هستند؛ دخالت‌های که گاه می‌توانند در تعارض با حقوق بنیادین شهروندی قرار گیرند. این تنش میان حراست از امنیت عمومی و صیانت از حقوق ارتباطی، یکی از مهم‌ترین چالش‌های حقوق اساسی در جمهوری اسلامی ایران را رقم زده است.

اهمیت این مسئله از آنجا ناشی می‌شود که نظام جمهوری اسلامی بر پایه تلفیقی از شریعت اسلامی و مردم‌سالاری دینی استوار است؛ بدین معنا که هرگونه تحدید در آزادی‌های شهروندی باید هم‌زمان از مشروعیت فقهی و پشتوانه قانونی برخوردار باشد. در این چارچوب، درک صحیح از حدود و ثغور اصل ۲۵ قانون اساسی و استثناء مندرج در ذیل آن، امری حیاتی در جهت حفظ تعادل میان دو ارزش بنیادین «امنیت» و «آزادی» است. به‌ویژه آن‌که از منظر فقه شیعه، اصل بر حرمت تجسس و لزوم حفظ اسرار است، مگر در موارد خاص که مصلحت عمومی و ضرورت‌های اجتماعی، جواز یا حتی وجوب دخالت حکومت را توجیه می‌نماید.

با وجود اهمیت بنیادین این اصل، بررسی‌های اولیه نشان می‌دهد که تاکنون مطالعه‌ای جامع که به تبیین و تحلیل فقهی ـ حقوقی اصل ۲۵ قانون اساسی در پرتو ضرورت‌های امنیتی و حقوق شهروندی پرداخته باشد، صورت نگرفته است. اگرچه برخی پژوهش‌ها به صورت کلی به مفهوم حریم خصوصی یا تحلیل اصول قانون اساسی ایران پرداخته‌اند، اما پژوهشی که به‌طور مستقل، دقیق و با نگاهی تطبیقی به تعامل میان امنیت ملی و آزادی‌های ارتباطی بر مبنای مبانی فقهی و آرای شورای

نگهبان بپردازد، تاکنون ارائه نشده است. وجه تمایز این مقاله نیز در همین رویکرد تلفیقی و تحلیلی آن نهفته است.

سؤال اصلی تحقیق آن است که :حدود مشروع و قانونی مداخلات دولت در حریم خصوصی ارتباطات شهروندان بر اساس اصل ۲۵ قانون اساسی و با توجه به مبانی فقهی چیست؟ این پرسش، در تلاش است تا نسبت سنجی دقیقی میان ضرورت‌های امنیتی از یک‌سو و حقوق بنیادین ارتباطی از سوی دیگر، با تکیه بر اصول فقه حکومتی و موازین حقوق اساسی، ارائه دهد.

هدف این پژوهش؛ تبیین و تحلیل ابعاد فقهی و حقوقی اصل ۲۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و ارائه الگویی متوازن برای تحدید مشروع آزادی‌های ارتباطی در شرایط خاص امنیتی است. در این راستا، مقاله حاضر می‌کوشد با بهره‌گیری از منابع معتبر فقهی، تفاسیر رسمی، آرای شورای نگهبان، و تجارب تقنینی، مدلی نظام‌مند و قانونی برای مداخلات مشروع در ارتباطات خصوصی شهروندان پیشنهاد دهد؛ مدلی که ضمن حفظ کارآمدی نهادهای امنیتی، ضامن حقوق بنیادین ملت نیز باشد.

این پژوهش با بهره‌گیری از روش تحلیل کیفی با رویکرد توصیفی ـ تحلیلی انجام شده است. گردآوری داده‌ها بر پایه مطالعات کتابخانه‌ای و تحلیل اسنادی صورت گرفته و با بررسی تطبیقی دیدگاه‌ها، تلاش شده است تا به درکی منسجم از مفهوم و قلمرو اصل ۲۵ دست یابیم. در نهایت، این تحقیق می‌کوشد با تأکید بر اصول شریعت و قانون، راهکاری متوازن برای تعامل امنیت و آزادی در نظام جمهوری اسلامی ایران ارائه نماید.

برای شفافیت بیشتر، روش تحقیق در چهار مرحله به شرح زیر بسط یافته است:

۱. معیارهای انتخاب منابع:

منابع فقهی بر اساس اعتبار مؤلف (فقهای برجسته امامیه مانند شیخ انصاری، امام خمینی، آیت‌الله مکارم شیرازی)، میزان استناد در فقه حکومتی، و ارتباط مستقیم با موضوع حریم خصوصی و تجسس انتخاب شده‌اند. منابع حقوقی نیز شامل قانون اساسی، قوانین عادی (مانند قانون مجازات اسلامی و قانون آیین دادرسی کیفری)، آراء شورای نگهبان و رویه‌های قضایی معتبر هستند.

۲. نحوه تحلیل داده‌ها:

متون گردآوری‌شده با استفاده از روش تحلیل مضمون (Thematic Analysis) بررسی شده‌اند. در این فرآیند، ابتدا مضامین کلیدی (مانند «حرمت تجسس»، «استثنای مشروع»، «حکم قانون»، «مصلحت عمومی») استخراج و سپس در قالب مقولات اصلی سازمان‌دهی شدند.

۳. فرآیند استنباط فقهی:

در تحلیل منابع فقهی، اصولی چون قاعده اهم و مهم، قاعده اضطرار، قاعده مصلحت و قاعده حفظ نظام به‌عنوان معیارهای اصلی استنباط مدنظر قرار گرفته‌اند. در این میان، اولویت با منابعی بوده که به صراحت به مصادیق ورود به حریم خصوصی پرداخته‌اند.بنابراین، روش تحقیق علاوه بر ماهیت کیفی و تحلیلی، مسیر گردآوری، انتخاب و تحلیل داده‌ها را نیز به‌روشنی مشخص می‌سازد و مبنای استنباط نتایج و ارائه الگوی مطلوب در این پژوهش خواهد بود.در نهایت، این تحقیق می‌کوشد با تأکید بر اصول شریعت و قانون، راهکاری متوازن برای تعامل امنیت و آزادی در نظام جمهوری اسلامی ایران ارائه نماید.

ادبیات و مبانی نظری تحقیق

الف)مفهوم شناسی

مفهوم حریم خصوصی

حریم خصوصی قلمرویی از زندگی هر شخص است که آن شخص یا با اعلان قبلی در چارچوب قانون ، انتظار دارد تا دیگران بدون رضایت وی به آن وارد نشوند یا بر آن نگاه یا نظارت نکنند و یا به اطلاعات راجع به آن دسترسی نداشته یا در آن قلمرو وی را مورد تعرض قرار ندهند . جسم ، البسه و اشیاء همراه افراد ، اماکن خصوصی و منازل ، محل‌های کار ،اطلاعات شخصی و ارتباطات خصوصی با دیگران حریم خصوصی محسوب می‌شوند .(پیش‌نویس لایحه حریم خصوصی، ۱۳۸۸: ماده ۲).دو ضابطه برای شناسایی مصادیق مشمول این حریم وجود دارد: ضابطه نوعی :که به موجب آن، برخی جنبه‌های زندگی انسان‌ها نوعاً یا عرفاً حریم خصوصی آنها محسوب شده و در صورت نقض آن ، مرتکب باید اثبات کند که مدعی نقض نحو ضمنی یا صریح از حریمش عدول نموده است. ضابطه شخصی: که هر فردی می‌تواند بنا به تشخیص و علاقه خود قسمت‌هایی از زندگیش را مشمول حریم خصوصی خود اعلام کند. در نتیجه با توجه به مطالب فوق می‌توان در این پژوهش بر تعریف ذیل که از حریم خصوصی ارائه شده است به عنوان مبنای در نظر گرفته شده‌ی کار خود اتفاق داشته باشیم قلمرویی از اطلاعات و متعلقات هر فرد است که آن فرد نوعاً یا عرفاً یا با اعلام قبلی به نحو معقولی انتظار عدم دسترسی دیگران به اطلاعات مربوط به آن و مصونیت از ورود، نگاه و نظارت دیگران و یا هرگونه تعرض نسبت به آن قلمرو را دارد.(محسنی، ۱۳۸۹: ۳۵).

مفهوم اصل ۲۵ قانون اساسی

اصل ۲۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقرر می‌دارد:

«بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آن‌ها، استراق سمع و هرگونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون» (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۵۸).

اصل ۲۵ در فصل سوم قانون اساسی، تحت عنوان «حقوق ملت» قرار دارد. این فصل به بیان حقوق و آزادی‌های اساسی شهروندان می‌پردازد و اصل ۲۵ به‌طور خاص به حریم خصوصی در ارتباطات اشاره دارد.این اصل با اصول دیگر قانون اساسی در زمینه حقوق فردی و حریم خصوصی مرتبط است و مکمل آن‌ها محسوب می‌شود.

مقایسه با اصول مشابه (اصول ۲۲، ۲۳، ۳۲ و ۳۹)

برای درک بهتر جایگاه اصل ۲۵، مقایسه آن با اصول مشابه مفید است اصول **۲۲ ،۲۳** ، ۳۲ ، ۳۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران همگی بر حفظ کرامت انسانی و حریم خصوصی تأکید دارند و در کنار اصل ۲۵، چارچوب حقوقی محکمی برای حمایت از حقوق فردی فراهم می‌کنند.

نسبت اصل ۲۵ با نهادهای امنیتی

اصل ۲۵ قانون اساسی، ناظر بر ممنوعیت تجسس و افشای ارتباطات خصوصی، مستقیماً عملکرد نهادهای امنیتی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این اصل، اعمال هرگونه مداخله در حریم خصوصی را مشروط به حکم قانونی و نظارت قضایی می‌داند و بدین‌وسیله چارچوب مشروعیت اقدامات امنیتی را تعیین می‌کند. بنابراین، فعالیت نهادهای اطلاعاتی در این حوزه، تنها در صورت رعایت اصول قانونی، شرعی و حفظ تناسب با تهدیدات امنیتی، قابل توجیه خواهد بود.

نهادهای اطلاعاتی امنیتی از دیدگاه‌های گوناگون دارای اهمیت و بوده و به همین سبب زمینه‌های مختلف زندگی بشر و جامعه دست خوش تلاش‌ها، خدمات و تحرکات امنیتی این نهادهاست این فعالیت‌ها در عرصه‌های مختلف سیاسی، نظامی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و ... وجود دارد سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی دارای وظایف و ماموریت‌های حساس، حیاتی و متنوع هستند یکی از این ماموریت‌های اساسی مشارکت موثر در ایجاد امنیت داخلی و خارجی و حفظ و ارتقای آن در ابعاد مختلف زندگی اجتماعی است و این ماموریت را معمولاً در قالب‌های آشکار و پنهان انجام می‌دهند که به دلیل ملاحظات امنیتی ضرورتی به آشکار نمودن یا اطلاع رسانی و ارائه اقدامات انجام شده به آحاد جامعه نیست بدیهی است بنا به ضرورت و نیاز در مواقع لزوم فرازی از اقدامات

انجام شده برای روشن کردن افکار عمومی مطرح می‌شود ... بر این اساس تاثیرگذاری این سازمان‌های گمنام(این نهادها شامل اما نه محدود به وزارت اطلاعات، سازمان اطلاعات سپاه، پلیس اطلاعات و امنیت عمومی، و پلیس فتا هستند) اما موثر در ساختار امنیت کشور و در ساختار نظام حکومتی ما بسیار توجه برانگیز است هرگونه میل یا انحراف جزئی از اصول مسلم انقلاب اسلامی می‌تواند پیامدهای سوء و خسران جدی را به دنبال داشته باشد. (دشتی، ۱۳۹۲ :۲۱۰).

این نهادها در مأموریت‌های خود نیازمند دسترسی به اطلاعات محرمانه، مکاتبات، ارتباطات الکترونیکی و دیگر مصادیق حریم خصوصی‌اند. با این حال، هرگونه اقدام در این زمینه منوط به صدور حکم قانونی معتبر و قضایی است و نمی‌توان به استناد ضرورت امنیتی، اصل ۲۵ را نادیده گرفت (توکلی، ۶۲:۱۴۰۰)

بنابراین، اصل ۲۵ باید نه‌تنها به‌مثابه یک قاعده فنی در حقوق اساسی، بلکه به عنوان معیاری حقوقی برای سنجش عملکرد نهادهای امنیتی تلقی گردد. رعایت الزامات این اصل، مستلزم وجود رویه‌های قانونی روشن، نظارت قضایی مستمر، و آموزش مستمر نیروهای امنیتی نسبت به حقوق شهروندی است (علوی، ۱۲۹:۱۳۹۹).

مفهوم امنیت ملی

امنیت ملی به‌عنوان یکی از مفاهیم کلیدی در علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، به معنای توانایی یک کشور در حفظ موجودیت، حاکمیت، تمامیت ارضی، ارزش‌های اساسی و منافع حیاتی خود در برابر تهدیدات داخلی و خارجی تعریف می‌شود. این مفهوم در طول زمان تحول یافته و از تمرکز صرف بر تهدیدات نظامی به شمول ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، زیست‌محیطی و سایبری گسترش یافته است (Buzan, Wæver, & de Wilde, 1998:9).

در ادبیات فارسی، امنیت ملی به‌عنوان شرایطی تعریف می‌شود که در آن کشور بتواند از تهدیدات بالقوه یا بالفعل خارجی و نفوذ سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بیگانه در امان باشد و در مسیر توسعه اقتصادی، اجتماعی و انسانی گام بردارد (موسوی،۱۳۹۹: ۸).

تهدیدات امنیتی

تهدیدات امنیتی به عواملی اطلاق می‌شود که می‌توانند امنیت ملی یک کشور را به خطر اندازند. این تهدیدات ممکن است داخلی یا خارجی، نظامی یا غیرنظامی، سخت‌افزاری یا نرم‌افزاری باشند. در ایران، تهدیدات امنیتی شامل مواردی مانند تروریسم، جاسوسی، خرابکاری، جنگ سایبری، تهدیدات فرهنگی و رسانه‌ای، و تهدیدات زیست‌محیطی می‌شوند (متقی، ۱۳۸۹ :۶۱).

مکتب کپنهاگ با تلقی همه جانبه از امنیت در سطوح اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و زیست محیطی در کنار نظامی شایان ذکر و تحلیل است .امنیت در مکتب کپنهاگ، مفهومی چند بعدی و بیناذهنی است(Buzan, Wæver & de wide et.al ,1998: 32).

بر اساس نظریه «امنیت‌سازی» مکتب کپنهاگ، تهدیدات امنیتی نه‌تنها بر اساس ویژگی‌های عینی آن‌ها، بلکه بر اساس برداشت‌ها و تفسیرهای اجتماعی از آن‌ها شکل می‌گیرند. در این دیدگاه، فرآیند «امنیت‌سازی» می‌تواند منجر به گسترش دامنه مداخلات نهادهای امنیتی در زندگی شهروندان شود .

نظریه‌های تحدید آزادی در مواجهه با تهدید

در شرایط تهدیدات امنیتی، جوامع با چالش تعادل میان حفظ آزادی‌های فردی و تأمین امنیت عمومی مواجه می‌شوند. نظریه‌های مختلفی در این زمینه ارائه شده‌اند که به بررسی مشروعیت و حدود تحدید آزادی‌ها در مواجهه با تهدیدات می‌پردازند.

۱. نظریه موازنه آزادی و امنیت

به گفته گارسیا و فرناندز (۲۰۲۲)، میان آزادی و امنیت رابطه‌ای موازنه‌ای وجود دارد؛ به این معنا که افزایش یکی ممکن است به کاهش دیگری بینجامد. آنان معتقدند در زمان‌های بحران، مانند حملات تروریستی یا شیوع بیماری‌های واگیر، برای حفظ امنیت عمومی ناگزیر محدودیت‌هایی بر آزادی‌های فردی اعمال می‌شود و شهروندان نیز در چنین شرایطی معمولاً امنیت را بر آزادی ترجیح می‌دهند مطالعات نشان می‌دهند که در چنین شرایطی، شهروندان تمایل دارند امنیت را بر آزادی

ترجیح دهند، به‌ویژه زمانی که تهدیدات به‌طور مستقیم احساس می‌شوند (García & Fernández, 2022).

۲. نظریه قیّم‌سالاری (Paternalism)

باور فاینبرگ (۱۹۸۴)، در نظریه قیّم‌سالاری بر این باور است که دولت می‌تواند برای حفاظت از شهروندان در برابر آسیب‌هایی که ممکن است خود به خود وارد کنند، در آزادی‌های آن‌ها مداخله کند. این نظریه به‌ویژه در مواردی که افراد تصمیماتی می‌گیرند که به ضرر خودشان است، مانند مصرف مواد مخدر یا عدم استفاده از کمربند ایمنی، مطرح می‌شود. در این دیدگاه، مداخله دولت به‌منظور حفظ رفاه و سلامت فردی توجیه‌پذیر است (Feinberg, 1984).

۳. نظریه اخلاق‌باوری قانونی (Legal Moralism)

دِولین (۱۹۶۵) بر اساس این نظریه می گوید، دولت می‌تواند اعمالی را که از نظر اخلاقی نادرست تلقی می‌شوند، حتی اگر به دیگران آسیبی نرسانند، ممنوع کند. این دیدگاه بر این فرض استوار است که حفظ اخلاق عمومی جامعه اهمیت دارد و برخی رفتارها، حتی اگر شخصی باشند، می‌توانند به بنیان‌های اخلاقی جامعه آسیب برسانند (Devlin, 1965).

۴. نظریه امنیت‌سازی (Securitization)

در همین راستا، بوزان، واور و د وایلده (۱۹۹۸)بر اساس نظریه امنیت‌ساز می گوید، یک موضوع زمانی به مسئله امنیتی تبدیل می‌شود که از سوی نهادهای ذی‌ربط به‌عنوان تهدیدی برای بقاء جامعه معرفی گردد. این فرآیند، که به‌ویژه توسط مکتب کپنهاگ توسعه یافته است، به نهادهای امنیتی اجازه می‌دهد تا با توجیه تهدیدات، اقدامات فوق‌العاده‌ای را برای مقابله با آن‌ها اتخاذ کنند، حتی اگر این اقدامات منجر به محدودیت‌هایی در آزادی‌های فردی شوند (Buzan, Wæver, & de Wilde, 1998).

چارچوب نظری این پژوهش بر **نظریه امنیت‌سازی مکتب کپنهاگ** استوار است. بر اساس این نظریه، یک موضوع عادی می‌تواند از طریق گفتمان سیاسی و امنیتی به سطح «تهدیدی علیه بقاء

جامعه» ارتقا یابد و در نتیجه، اقدامات فوق‌العاده و محدودکننده آزادی‌ها توجیه‌پذیر شود . اصل ۲۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز دقیقاً در چنین بستری قابل تفسیر است؛ بدین معنا که قاعده کلی بر مصونیت ارتباطات خصوصی است، اما در شرایطی که یک وضعیت به‌عنوان تهدید امنیتی تعریف شود، امکان اعمال استثناء «به حکم قانون» فراهم می‌آید. با این حال، برای غنای نظری تحلیل، این پژوهش از نظریه‌های مکمل نیز بهره می‌گیرد:

۱. **نظریه قیم‌سالاری :** در پرتو اصل ۲۵، قیم‌سالاری می‌تواند توجیه‌کننده برخی مداخلات محدودکننده باشد؛ مانند اقداماتی که برای جلوگیری از افشای اسرار امنیتی یا حفاظت از جان و مال شهروندان ضرورت پیدا می‌کند.

۲. **نظریه اخلاق‌باوری قانونی:**تحلیل اصل ۲۵ در پرتو این نظریه نشان می‌دهد که ممانعت از افشای برخی مکاتبات یا تجسس در موارد خاص می‌تواند بر مبنای «حفظ اخلاق عمومی» نیز تبیین شود.

بدین ترتیب، مقاله حاضر نظریه امنیت‌سازی را چارچوب اصلی خود قرار داده و نظریه‌های قیم‌سالاری و اخلاق‌باوری قانونی را در مقام نظریه‌های پشتیبان و تکمیل‌کننده به کار می‌گیرد. این ترکیب سبب می‌شود مسیر استدلالی مقاله منسجم بوده و در عین حال، ابعاد اخلاقی و حمایتی محدودیت‌های اصل ۲۵ نیز به‌درستی روشن شود .

ب)مبانی نظری و مدل مفهومی

تحلیل حقوقی اصل ۲۵ قانون اساسی

۱ .شرح متن اصل ۲۵ قانون اساسی ج.ا.ا

اصل ۲۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقرر می‌دارد:

«بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آن‌ها، استراق سمع و هرگونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون» (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۵۸).این اصل با تأکید بر ممنوعیت اقدامات مذکور، اصل را بر مصونیت ارتباطات خصوصی قرار داده و تنها در صورت وجود حکم قانونی، استثنا قائل شده است.

در ادامه به بخشی از مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در خصوص اصل ۲۵ را آورده که دلایل استثناء این اصل در آن ذکر شده است.

مکارم شیرازی : ... و اما مطلب دیگر و جواب آقای مراغه‌ای را عرض بکنم من تعجب می‌کنم که چرا ایشان گفتند اگر آخر این استثنا را نگذاریم ممکن است به واسطه عمومیت این حکم خطرات زیادی متوجه مملکت بشود هم اسلام هم قانون، عقل و هم قوانین همه دنیا اجازه می‌دهد که اگر واقعاً افرادی در معرض مظنه و جاسوسی قرار گرفتن و احتمال دادیم و ثابت شد چون گروه جاسوسی وجود دارد این کار در موردشان اجرا بشود.... هم جواب آقای مراغه‌ای و هم جواب آقای آیت این است که اگر بخواهیم استثنا نگذاریم اینکه ممکن نیست حتماً باید استثنا بگذاریم و در تمام قوانین دنیا هم هست و در اسلام هم طبق قانون اهم و مهم هست حتی غیبت با آن همه تاکیدی که روی حرمتش شده استثنا دارد به واسطه اهم و مهم اما اینکه چرا قانون را مطلق بنویسیم علتش این است اگر شما الان بنویسید خواهید دید که یک عبارت ۶۵ خطی می‌شود و اگر نخواهید همه را ذکر کنید و فقط بنویسید در موارد جنگ و ضرورت جنگ هم معنی کشداری است و ضرورت هم معنی کشداری است و باز اگر از این طریق هم بخواهند سوء استفاده بکنند خیلی آسان است

بنابراین ما چاره‌ای نداریم ،(موسوی تبریزی ـ اینطور بنویسید ر در مواردی که مظنه توطئه علیه مصالح کشور باشد.) سوال می‌کنم اگر جایی هست که توطئه برای قتل کسی می‌خواهند بکنند نه برای مصالح کشور این مورد را بنویسیم یا ننویسیم؟ بله آن را هم باید بنویسیم و خیلی چیزهای دیگر را هم باید بنویسیم (نایب رئیس ـ آقایان اجازه بفرمایید آقای مکارم مطالبشان را تمام کنند .) اما آخرین جمله را عرض کنم آقای مراغه‌ای گفتند که نظامی در دنیا هست که ما نمی‌توانیم از آن نظام در مسائل پستی و تلگرافی برکنار بمانیم جواب ما این است در این ماده قانون هیچ کجایش چیزی که بر خلاف نظام جهانی در مسئله مکالمات تلفنی و مراسلات پستی باشد نیست یک کلی را گفتیم که دنیا هم قبول دارد و یک استثنا گذاشتیم که آن استثنا را هم قبول دارد(مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، ۱۳۶۴: صص. ۷۱۵–۷۱۶).

۲ .تفسیر اصل بر اساس نظر شورای نگهبان، حقوق‌دانان و رویه قضایی

شورای نگهبان در تفسیر اصل ۲۵ تأکید کرده است که هرگونه تجسس در زندگی مردم و کنترل ارتباطات مخابراتی آن‌ها بدون اجازه قانونی و حکم قضایی، خلاف شرع و اصل ۲۵ قانون اساسی است. این شورا در مواردی مصوبات مجلس شورای اسلامی را به دلیل ابهام در مجوز ورود به حریم خصوصی افراد، مغایر با اصل ۲۵ دانسته است (شورای نگهبان، ۱۳۹۶).

به عنوان نمونه، در بند ۵ نظر شماره ۸۷۷۰ مورخ ۱۲/۳/۱۳۶۲ در رابطه با «طرح تأسیس وزارت اطلاعات»، شورای نگهبان اعلام کرد: «چون مستفاد از اصل ۲۵ قانون اساسی، ممنوعیت تجسّس در سطح همگانی و مردمی است و استثنای "مگر به حکم قانون " شامل تجویز این نوع تجسّس عامّ و آموزش آن نمی‌شود، بند "ه" ماده ۱۴ و عبارت "با حدّاکثر استفاده از نیروهای مردمی" در بند "الف" ماده مزبور، با اصل ۲۵ قانون اساسی مغایر شناخته شد و از جهت انطباق با موازین شرعی نیز به تأیید اکثریت فقها نرسید» (شورای نگهبان، ۱۳۹۶).

۳ .مواد قانونی مرتبط با اصل ۲۵ قانون اساسی

در راستای اجرای این اصل، قوانین عادی متعددی تدوین شده‌اند که به شرح زیر می‌باشند:

- **ماده ۵۸۲ قانون مجازات اسلامی(تعزیرات):** «هر یک از مستخدمین و مأمورین دولتی که بدون حکم قانون، کسی را بازداشت کند یا در بازداشت نگاه دارد، به انفصال از خدمت دولتی از یک تا پنج سال و به حبس از دو ماه تا سه سال محکوم خواهد شد» (قانون مجازات اسلامی، ۱۳۷۵).

- **ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات)** : «هر یک از مقامات و مأمورین وابسته به نهادها و دستگاه‌های حکومتی که برخلاف قانون، آزادی شخصی افراد ملت را سلب کند یا آنان را از حقوق مقرر در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران محروم نماید، علاوه بر انفصال از خدمت و محرومیت یک تا پنج سال از مشاغل حکومتی، به حبس از دو ماه تا سه سال محکوم خواهد شد» (قانون مجازات اسلامی، ۱۳۷۵).

- **ماده ۱۵۰ قانون آیین دادرسی کیفری** :«بازرسی و تفتیش منازل، اماکن و اشیاء و جلب اشخاص، در مواردی به عمل می‌آید که قانون اجازه داده باشد و در غیر این صورت، ممنوع است» (قانون آیین دادرسی کیفری،۱۳۹۲).

۴ .مجازات‌های مقرر برای ضابطین و قضات

ضابطین و قضات در صورت نقض اصل ۲۵ قانون اساسی و قوانین مرتبط، مشمول مجازات‌های زیر می‌گردند:

- **ضابطین قضایی** :در صورت ورود غیرقانونی به حریم خصوصی افراد، مطابق ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی، به حبس از دو ماه تا سه سال و انفصال از خدمت از یک تا پنج سال محکوم می‌شوند (قانون مجازات اسلامی، ۱۳۷۵).

- **قضات** :بر اساس قانون نظارت بر رفتار قضات، در صورت ارتکاب تخلفاتی نظیر نقض حقوق شهروندی، به مجازات‌های انتظامی از توبیخ تا انفصال دائم از خدمت محکوم

می‌گردند. ماده ۲۴ این قانون مقرر می‌دارد: «چنانچه دادیار در حین رسیدگی به پرونده، تخلف دیگری را کشف کند، موظف است نسبت به آن نیز رسیدگی و اظهار نظر نماید» (قانون نظارت بر رفتار قضات، ۱۳۹۰).

۵ .تحلیل رویه‌های قضایی مرتبط با اصل ۲۵

۵-۱. نظریه مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضاییه

در نظریه مشورتی شماره ۷/۹۷/۲۴۴۰ مورخ ۰۵/۰۹/۱۳۹۷، اداره کل حقوقی قوه قضاییه با استناد به ماده ۱۵۰ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ اعلام می‌دارد که اخذ پرینت مکالمات تلفنی یا اطلاعات ارتباطی، مشمول محدودیت‌های اصل ۲۵ قانون اساسی بوده و مستلزم حکم قضایی صریح و قانونی است. همچنین در این نظریه تصریح شده است که دستورالعمل‌ها یا مصوباتی نظیر آنچه از سوی شورای عالی امنیت ملی تصویب شده، به دلیل عدم انتشار عمومی در روزنامه رسمی، قابلیت استناد مستقیم برای محدودسازی حقوق شهروندان را ندارد (اداره کل حقوقی قوه قضاییه، ۱۳۹۷).

این نظریه صراحتاً اعلام کرد که اخذ پرینت مکالمات تلفنی تنها با حکم قضایی امکان‌پذیر است و مصوبات شورای عالی امنیت ملی یا دستورالعمل‌های اجرایی به دلیل عدم انتشار رسمی در روزنامه دولتی، قابلیت استناد مستقیم برای محدودسازی حقوق شهروندان را ندارند. این نمونه به‌خوبی نشان می‌دهد که اصل ۲۵ حتی در برابر تصمیمات نهادهای عالی امنیتی نیز به‌عنوان مانع جدی عمل می‌کند.

۵-۲. رویه قضایی درباره دسترسی به ایمیل متهم

در یکی از پرونده‌های قضایی مطرح‌شده در سال ۱۳۸۷، قاضی دادگاه تجدیدنظر از متهم خواست تا گذرواژه ایمیل شخصی خود را ارائه دهد. متهم با استناد به اصل ۲۵ قانون اساسی، این درخواست را مغایر با حقوق اساسی خود دانسته و از ارائه آن امتناع کرد. در نهایت، دادگاه تنها در حضور متهم و نماینده دادگستری، به بررسی محدود و مستند ایمیل‌های مرتبط با پرونده پرداخت که نشان‌دهنده رعایت اصول حاکم بر حریم خصوصی و تفسیر محدود اصل ۲۵ بود (باقی، ۱۳۹۶).

این نمونه نشان می‌دهد که دامنه اصل ۲۵ تنها به مکاتبات سنتی محدود نمی‌شود و در عمل به حوزه ارتباطات دیجیتال نیز تسری داده شده است.

۳-۵.موضع‌گیری رئیس قوه قضاییه در خصوص اصل ۲۵

رئیس قوه قضاییه در سال ۱۴۰۲ ضمن تأکید بر رعایت دقیق حقوق شهروندی، بیان داشت: «اصل ۲۵ تصریح دارد که تجسس ممنوع است، مگر به حکم قانون؛ بنابراین هر نوع مداخله در حریم خصوصی باید مبتنی بر حکم قضایی و ضوابط دقیق باشد.» وی در ادامه افزود: «دخالت بدون مجوز، نه تنها غیرقانونی، بلکه مصداق تعدی به حقوق مردم است» (رئیسی، ۱۴۰۲).

در رویه قضایی جمهوری اسلامی ایران، موارد متعددی از نقض اصل ۲۵ مشاهده شده است که دادگاه‌ها با استناد به قوانین مذکور، احکام مقتضی صادر کرده‌اند. به عنوان مثال:

- **پرونده شماره ۴۳۴.....۹۰ :** در این پرونده، متهم به استراق سمع مکالمات تلفنی بدون مجوز قانونی متهم شد و دادگاه با استناد به ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی، وی را به حبس و انفصال از خدمت محکوم نمود (دادگستری جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۰).

این نشان می‌دهد که حتی در شرایط امنیتی نیز صرف ادعای ضرورت کافی نیست و دادگاه، مشروعیت دخالت را مشروط به حکم صریح قانون و مرجع قضایی دانسته است.

- **پرونده شماره ۵۶۷.....۹۱** :در این پرونده، قاضی پرونده به دلیل نقض حقوق شهروندی متهم، به مجازات انتظامی توبیخ کتبی محکوم گردید (دادگستری جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۱).

اهمیت این رأی در آن است که نشان می‌دهد ضمانت اجرای اصل ۲۵ صرفاً جنبه نظری ندارد، بلکه حتی مقامات قضایی نیز در صورت تخطی از الزامات این اصل، مسئولیت انتظامی پیدا می‌کنند.

بنابراین، تحلیل رویه‌های قضایی موجود بیانگر آن است که دادگاه‌ها و مراجع نظارتی در ایران، به‌طور غالب بر اصل حمایت از حریم خصوصی پای می‌فشارند و تنها در شرایطی استثناء را می‌پذیرند

که ضرورت امنیتی به‌طور مستند، فوری و قانونی اثبات شده باشد. این مطالعه‌های موردی، بُعد عملی اصل ۲۵ را تقویت کرده و نشان می‌دهد که تعامل میان امنیت و حقوق شهروندی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، در نهایت به سود تفکیک دقیق و مضیق استثناءها رقم می‌خورد.

مبانی فقهی حریم خصوصی و تحدید آن در فقه شیعه

۱ .تجسس در فقه اسلامی

در فقه و فلسفه حقوق در ارتباط با معنای تجسس، نظریه‌پردازی شده است. البته تجسس در لسان فقها برای خود تعریف خاصی را در پی نداشته و عدم تعریف ممکن است به دلیل بداهت آن باشد، البته در این زمینه نظریاتی ارائه داده شده است. برای نمونه علامه طباطبایی تجسس را به معنی پیگیری و تفحص از امور مردم می‌داند و آن اموری که مردم عنایت دارند پنهان بماند و تو آنها را پیگیری کنی تا خبردار شوی و تجسس هم همین معنا را دارد، با این تفاوت که تجسس در شر استعمال شده و تحسس در خیر به کار می‌رود(المیزان، ج۱۸ :۴۸۴).

از نظر شهید ثانی نیز «معنی تجسّس آن است که بندگان خدا را زیر پرده ستاریت پروردگار رها نکنی و پرده از روی کار آنان برداری و آنها را که خداوند پوشیده داشته است، آشکار کنی که این کار وسیله کسب اطلاع از امور مخفی آنها و پرده برداشتن از روی اسرارشان می‌شود و درنتیجه آنها بر تو پوشیده بود، آشکار می گردد که اگر مخفی بود دل و دینت سالمتر می‌ماند(شهید ثانی، ۱۳۸۰: ۹).

۲ .ادله شرعی منع تجسس و حفظ اسرار (آیات، روایات، اجماع)

الف) آیات قرآن

قرآن کریم در آیه ۱۲ سوره حجرات می‌فرماید:

یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا کَثِیراً مِنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَ لا تَجَسَّسُوا وَ لا یَغْتَبْ بَعْضُکُمْ بَعْضاً أَ یُحِبُّ أَحَدُکُمْ أَنْ یَأْکُلَ لَحْمَ أَخِیهِ مَیْتاً فَکَرِهْتُمُوهُ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوّابٌ رَحِیمٌ« حجرات/۱۲»

ای کسانی که ایمان آورده اید! از بسیاری گمان ها دوری کنید،زیرا بعضی گمان ها گناه است.و(در کار دیگران)تجسّس نکنید و بعضی از شما دیگری را غیبت نکند،آیا هیچ یک از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده خود را بخورد؟(هرگز)بلکه آن را ناپسند می دانید و از خدا پروا کنید،همانا خداوند بسیار توبه پذیر مهربان است.

نکته‌ها:

۱. ... همان گونه که آیه ی نهم این سوره،برای امنیّت و حفظ جان مردم،همه ی مسلمانان را مسئول مبارزه با یاغی و تجاوزگر دانست،این آیه نیز برای حفظ آبروی مردم؛سوءظن، تجسّس و غیبت را حرام کرده است.

* امروزه حقوق دانان جهان،از حقوق بشر حرف می زنند،ولی اسلام به مسائلی از قبیل تمسخر،تحقیر،تجسّس و غیبت توجّه دارد که حقوق دانان از آن غافلند....(طباطبایی، ۱۳۹۰،ج ۱۸: ۳۲۳).

۲. در کتاب تفسیر اهل بیت علیهم السلام ازابن‌عباس (رحمهٔ الله علیه)آورده : وَ لا تَجَسَّسُوا؛ یعنی در لغزشهای مؤمنان کند و کاو نکنید.(تفسیر اهل بیت علیهم السلام ج۱۴، ص۵۴۸) و(بحرالعرفان، ج۱۵:۹۵).

ب) روایات

در روایات اسلامی نیز تأکید فراوانی بر حفظ حریم خصوصی شده است. که به برخی از آنان در ذیل اشاره می کنیم:

الرّسول (صلی الله علیه و آله -(یَا مَعْشَرَ مَنْ أَسْلَمَ بِلِسَانِهِ وَ لَمْ یُسْلِمْ بِقَلْبِهِ لَا تَتَّبِعُوا عَثَرَاتِ الْمُسْلِمِینَ فَإِنَّهُ مَنْ تَتَبَّعَ عَثَرَاتِ الْمُسْلِمِینَ تَتَبَّعَ اللَّهُ عَثْرَتَهُ وَ مَنْ تَتَبَّعَ اللَّهُ عَثْرَتَهُ یَفْضَحْهُ.

پیامبر (صلی الله علیه و آله) ای کسانی‌که به زبان، اسلام آورده‌اید و با دلهایتان اسلام نیاورده‌اید ! لغزشهای مسلمانان را پیگیری نکنید، چراکه هرکس لغزشهای مسلمانان را پیگیری کند خدا

لغزشهایش را پیگیری کند و هرکس که خدا لغزشهایش را پیگیری کند رسوایش نماید.(تفسیر اهل بیت علیهم السلام ج۱۴ :۵۴۸) و(الکافی، ج ۳۵۵:۲).

امام صادق (ع) می‌فرمایند: «الْمُؤْمِنُ أَعْظَمُ حُرْمَةً مِنَ الْكَعْبَةِ»؛ یعنی حرمت مؤمن از حرمت کعبه بالاتر است (الخصال : ۲۷ / ۹۵.).

الصّادقین (علیها السلام)ـ قَالا أَقْرَبُ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ إِلَى الْكُفْرِ أَنْ يُوَاخِيَ الرَّجُلَ عَلَى الدِّينِ فَيُحْصِيَ عَلَيْهِ عَثَرَاتِهِ وَ زَلَّاتِه لِيُعَنِّفَهُ بِهَا يَوْماً مَا.

امام باقر (علیه السلام) و امام صادق (علیه السلام)ـ هرگاه فردی با فرد دیگری دارای پیوند برادری دینی باشد، امّا همواره در جستجوی اشتباهات و خطاهای او برآید تا روزی او را رسوا کند، در نزدیک‌ترین حالت به کفر قرار دارد.(تفسیر اهل بیت علیهم السلام ج۱۴: ۵۴۸) و(الکافی، ج۲، :۳۵۴/ البرهان)

ج) اجماع

فقهای امامیه بر اساس اجماع، ورود به حریم خصوصی افراد بدون مجوز شرعی را ممنوع دانسته‌اند. این اجماع بر پایه آیات و روایات متعددی استوار است که به صراحت از تجسس و افشای اسرار نهی می‌کنند مرحوم شهید ثانی بر حرمت تجسس در امور شخصی افراد، ادعای اجماع می‌کند :«و قد ورد بالنّهی عن التجسس الکتاب و السنّة بل الإجماع أیضا»(مسالک الأفهام إلی آیات الأحکام، الفاضل الکاظمی، ج۲ :۳۴۸.)

صاحب جواهر (رحمه‌الله) می‌گوید :«مضافا إلی حرمة التجسس، قال الله تعالی ﴿وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبْ بَعْضُكُمْ بَعْضاً﴾ ... (حجرات/ ۱۲.) مضافا إلی إجماع المسلمین بل بداهة الدین.(جواهر الکلام، النجفی الجواهری، الشیخ محمد حسن، ج۱۳ :۲۹۸)وی نیز علاوه بر استدلال به کتاب و سنت، به اجماع استدلال می‌کند و حرمت آن را از بدیهیات دین می‌داند.

۳ .دیدگاه امامین انقلاب

امام خمینی (ره)

در تاریخ ۲۴ آذر ۱۳۶۱، امام خمینی (ره) فرمانی هشت ماده‌ای صادر کردند که در آن بر لزوم حفظ حریم خصوصی شهروندان تأکید شده است. ایشان در این فرمان می‌فرمایند: « هیچ کس حق ندارد به خانه یا مغازه و یا محل کار شخصی کسی بدون اذن صاحب آنها وارد شود یا کسی را جلب کند، یا به نام کشف جرم یا ارتکاب گناه تعقیب و مراقبت نماید، و یا نسبت به فردی اهانت نموده و اعمال غیر انسانی – اسلامی مرتکب شود، یا به تلفن یا نوار ضبط صوت دیگری به نام کشف جرم یا کشف مرکز گناه گوش کند، و یا برای کشف گناه و جرم هر چند گناه بزرگ باشد، شنود بگذارد و یا دنبال اسرار مردم باشد.» (امام خمینی، ۱۳۶۱ : ماده ۶).

این فرمان بر مبنای آیات و روایات اسلامی صادر شده و تأکید دارد که حتی حکومت اسلامی نیز بدون مجوز شرعی و قانونی، حق ورود به حریم خصوصی افراد را ندارد.

امام خامنه‌ای (مدظله)

مقام معظم رهبری نیز در استفتایی بیان فرمودند: مبادرت به امر بررسی و تحقیق قانونی نسبت به کار اداری کارمندان و غیر آنان توسط ماموران رسمی تفحص و تحقیق در چهارچوب ضوابط و مقررات قانونی اشکال ندارد ولی تجسس در کار دیگران یا تحقیق در اعمال و رفتار کارمندان برای کشف اسرار در خارج از حدود و ضوابط قانونی برای آن مأموران نیز جایز نیست. به نظر می‌رسد که مبنای روایان این فرمایش مقام عظمای ولایت، روایاتی باشند که نقض حریم خصوصی را نهی کرده، چراکه موجب ایذای مومن می‌گردد؛ «من اعان علی مومن بشطر کلمه جاء یوم القیامه و بین عینیه مکتوب آیس من رحمه الله». هر کس علیه مومنی کاری انجام دهد که بر او ضرر وارد شود ولو با گفتن کلمه‌ای، روز قیامت در حالی محشور می‌شود که در پیشانیش نوشته مأیوس از رحمت خدا(صدوق، ۱۴۰۶ ق، ج۴: ۹۴).

۴ .شرایط مشروعیت دخالت حکومت

دلیل مجاز و لزوم تجسس موارد مختلفی هستند که مهمترین آن ها عبارتند از: بقای حکومت اسلامی و ایجاد امنیت و آرامش برای آحاد جامعه که خود عبارت است از :تجسس در مورد دشمنان اسلام که غیرمسلمان‌اند (کفار و دشمن غیر دشمن)، تجسس در مورد مسلمانانی که در صف دشمنان حکومت اسلامی هستند، تجسس در مورد دشمنانی که در داخل کشور هستند؛ تجسس در امور مردم و تجسس در امور کارکنان اداری نظامی و قضایی کشور. همچنین تجسس، لازمه پیشرفت، شناخت زمان، مردم آن و کسب اطلاعات و اخبار است و شناخت برنامه های مرموزانه دشمنان، پیشگیری از اقدامات تروریستی و غافلگیرانه آن ها. با توجه به دسته بندی دلیل مجاز و لزوم تجسس، به بیان برخی از ادله مجاز تجسس می‌پردازیم.

الف) قاعده اضطرار

دامنه اضطرار در فقه گسترده است و این قاعده از طهارت تا دیات کاربرد دارد؛ بنابراین باید تعریف و تشریح ماهیت اضطرار فراگیر باشد. ولی فقها، اضطرار را در همه موارد تشریح نکرده‌اند و عمده بحث در کتاب اطعمه و اشربه آمده است. قاعده اضطرار با منع تجسس ارتباط مستقیم دارد، چه آنکه در دیدگاه اسلامی، وجوب و تحریم فقهی در جهت فلسفه هدایت تشریع الهی، جلب مصالح و دفع مفاسد و مضار مادی و معنوی از انسان را دنبال می‌کند که برای بسیاری از آن ها مجازات دنیوی اعم از قصاص تا تعزیر مقرر شده است(جعفری و عباسی مقرب، ۱۳۹۵: ۴۹). این موضوع از روی آیات قرآنی نیز قابل برداشت است، به نحوی که « انما حرم علیکم المیته و الدم و الحم الخنزیر و ما اهل به لغیر الله فمن اضطر غیر باغ و لا عاد فلا اثم علیه ان الله غفور رحیم»(بقره/۱۷۳) یا «و ما لکم ان لاتاکلوا مما ذکر اسم الله علیه و قد فصل لکم ما حرم علیکم الا ما اضطررتم الیه» (انعام/۱۱۹). مشهود است که ارتکاب فعل حرام در حالات ضرورت، استثناء شده و به نوعی استثناء از تحریم اباحه است و این امر شامل تجسس نیز شده که در حالت کلی حرام بوده، اما بنا به قاعده ضرورت، نکته مهم آن است که عمل بر اساس قاعده اضطرار، لازم و واجب است و ترک آن حرام و به این اثر گفته می شود که مدلول قاعده، عزیمت است، چون هرگاه مدلول قاعده عزیمت باشد، عباداتی

که در حال اضطرار باید ترک کند، انجام دهد، باطل است و بنابراین، این اثر شامل تجسس نیز می گردد(میرالوندی، ۱۳۹۷: ۱۶۸).

ب) قاعده اهم و مهم

با توجه به اهمیت قاعده عقلی- شرعی «اهم و مهم» آیات سنت و سیره کثیری به طور غیر مستقیم، مربوط به این بحث است. به عنوان نمونه:

۱. یکی از احکامی که در قرآن بیان شده است، حرمت خوردن گوشت مردار است، اما اگر انسان در موقعیتی قرار بگیرد که ناچار باشد از گوشت مردار بخورد و اگر این کار را نکند جان او به خطر می افتد و تلف می شود.

«به تحقیق، خدا حرام گردانید بر شما مردار و خون و گوشت خوک را و آنچه را که به اسم غیر خدا کشته باشند، پس هر کس که به خوردن آنها محتاج و مضطر شود در صورتی که به آن تمایل نداشته و (از اندازه رمق) تجاوز نکند گناهی بر او نخواهد بود (که به قدر احتیاج صرف کند که) محققا خدا آمرزنده و مهربان است.»(بقره/۱۷۳).

۲. ماجرای حضرت موسی و حضرت خضر(ع) (الکهف:۷۸,۷۱ و الکهف:۸۲,۷۹)، نیز به وضوح دال بر قاعده تقدیم اهمّ بر مهمّ است.(تفسیر نمونه، ج ۱۲: ۵۰۵؛ نجفی خمینی، ۱۳۹۸ ق، ج ۱۰: ۳۸۲؛ مکارم شیرازی، بیتا.ج ۷ :۳۳۱).

۳.یکی از علمای اهل سنت در اجتماع مصالح و مفاسد، با استناد به آیه ای از قرآن می گوید: « زمانی که مصالح و مفاسد اجتماع کردند، در صورت امکان باید مصالح را جلب و مفاسد را دفع کنی. اینگونه در اجتماع مصالح و مفاسد عمل کن تا امر الهی را امتثال کرده باشی، همانطور که خداوند فرموده: پس تا می توانید تقوای الهی را پیشه کنید (التغابن: ۱۶)» (العز بن عبد السلام، بیتا، ج۱: ۶۸)

۴.پیامبر اکرم به عمار یاسر دستور دادند که اگر دشمنان از تو خواستند به پیغمبر بدگویی کنی این کار را بکن (ابن اثیر،۱۳۹۹ق. ج۱:).

۵. موضوع مستفاد شده به روایتی از امام کاظم (ع) قبول هدایای هارون الرشید توسط امام (ع)است (الحر العاملی، ج ۱۷: ۲۱۶). وجه استدلال به حدیث این است که امام (ع) با ملاحظه مفسده موجود در پذیرش هدایای ظالم و مصلحت مترتب بر ساماندهی زندگی طالبیین و علویین و باوری که به اهمّ بودن این مصلحت نسبت به مفسده آن داشته اند و معتقد به جواز یا وجوب قبول هدایای هارون الرشید گردیده و آن را پذیرفته اند. این مصلحت باعث گردیده تا مفسده موجود در پذیرش هدایا، منشأ اثر و ترتیب حکم شرعی چون حرمت یا کراهت نشود.

امام علی(ع) در مقطعی از حکومت برای جبران کسری بودجه حکومت اسلامی بر اسبها زکات وضع کرد: چون اهمیت حفظ حکومت بیشتر بود. (الحر العاملی، ج۱۶ :۱۳۴)

لذا در مواردی که بین دو حکم تزاحم وجود دارد، باید اهم را بر مهم ترجیح داد. اگر حفظ امنیت عمومی (اهم) با حفظ حریم خصوصی فردی (مهم) در تعارض باشد، می‌توان با رعایت ضوابط شرعی و قانونی، به حریم خصوصی ورود کرد .

پ) مصلحت عمومی

در فقه اسلامی، مصلحت عمومی می‌تواند در موارد خاصی بر حقوق فردی مقدم شود. اما این تقدم باید با رعایت اصول شرعی و قانونی و با تشخیص مراجع ذی‌صلاح صورت گیرد .

در ارتباط با قاعده مصلحت می‌بایست به طور کلی قائل به دو نوع مصلحت فردی و جمعی بود و منظور از مصلحت در قاعده مصلحت، مصلحت جمعی است نه فردی. با این حال، اول اینکه مصالح و مفاسدی که روح احکام شریعت بر پایه آنها قرار گرفته است، همه در یک سطح و درجه نمی‌باشند و برخورد مصالح اجتماعی با مصالح فردی، مشمول باب تزاحم و تقدم اهم بر مهم است که قاعده‌ای عقلی است که همیشه تبعیت از اهم الزم است و همه انسان های عاقل آن را درک می کنند و به آن ملتزم می‌شوند و بنابراین در لزوم یا عدم لزوم تجسس با توجه به قاعده مصلحت بایستی این اهم و مهم بودن مصلحت جمعی و فردی مورد توجه قرار بگیرد(جوادی آملی، ۱۳۷۵: ۲۴۵). دوم اینکه نوعی تقسیم‌بندی از تجسس بر پایه مصلحت بوده است که بر این مبنا، تجسس به صرف آگاهی از

احوال اشخاص و بدون انگیزه عقلانی صورت می گیرد، با نیتی فاسد مانند هتک، پراکندگی فحشاء و آزردن مومنین انجام می گیرد و ... تقسیم می‌شود و بنابراین این تقسیم‌بندی، نشان دهنده اهمیت قاعده مصلحت در تقسیم‌بندی های تجسس است(خرازی، ۱۳۸۰: ۲۵).

معنای اصطلاحی مصلحت عبارت است از منفعتی که شارع حکیم برای بندگانش خواسته است . این منافع مشتمل بر حفظ دین، جان ، عقل، نسل و مال است(حسینی و کشاورز، ۱۳۹۵: ۸). مصالح از نظر فقه اسلامی به چهار دسته تقسیم می‌شوند:

۱. مصاالح ضروری، مصالحی است که مقصود اصلی شریعت، حفظ آن ها است که عبارت‌اند از: حفظ دین، نفس، نسل، عقل و مال انسان ها.

۲. مصالح حقیقی: آن در جایی است که یک کار به طور حقیقی جلب منفعت یا دفع ضرری نماید و تشریع حکم طبق آن ها به مصلحت و نفع شخص یا جامعه باشد.

۳. مصالح شخصی که مربوط به مصالح فرد یا گروه خاصی است.

۴. مصالح تحسینی که نوعی از مصالح هستند که رعایت آن ها، بهبود و بهتر شدن زندگی را در پی دارد ولی عدم رعایت آن ها موجب سختی و دشواری در زندگی انسان نمی‌شود.

از این بین، مصالح ضروری است که در قاعده مصلحت مورد نظر است و البته تجسس نیز در زمینه مصالح ضروری قابل اعمال است. قاعده مصلحت ایجاب می‌نماید که به منظور حفظ نظم اجتماعی با هر آنچه که موجب ایجاد اخلال در نظام اجتماعی می گردد، مبارزه شود. و بنابراین در این مسیر اگر به منظور حفاظت از امنیت کشور، تجسس لازم آید، طبق قاعده مصلحت توجیه‌پذیر خواهد بود.

ت) تجسس جایز در گفتار و سیره معصومین

بر اساس ادله اربعه بیان‌شده، جای شکی نیست که یکی از محرمات الهی تجسس است اما در روایات، مواردی داریم که معصومین (علیهم‌السلام) تجسس را در برخی از امور اجتماعی جایز دانسته‌اند. پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) وقتی لشکری را به فرماندهی شخصی به جنگ می‌فرستاد، برخی افراد را در کنار او قرار می‌داد تا مراقب اعمال و رفتار او باشند و به حضرت گزارش بدهند. در زمان امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) نیز چنین مواردی وجود داشته است.

«ثُمّ تَفَقّد أعمَالَهُم وَ ابعَث العُيُونَ مِن أهلِ الصّدقِ وَ الوَفَاءِ عَلَيهِم».(نهج البلاغه، صبحی صالح، ج۱:۴۳۵، نامه ۳۱).

امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) به مالک اشتر فرمود: درباره اعمال کارگزاران خود، جست‌وجو کن. برخی از افراد راستگو و باوفا را به‌عنوان جاسوس در کنار آن‌ها قرار بده (تا گزارش اعمالشان را به تو بدهند.

الف: امام باقر (ع): در حکمت حضرت داوود (ع) آمده است که برای هر فرد مسلمانی شایسته و بایسته است که مالک خویشتن و آینده نگرا و مردم عصر و زمانش را بشناسد (اصول کافی، ج۲: ۲۲۴).

ب: هند بن ابی هاله در حدیثی راجع به یکی از اوصاف پیامبر (ص) روایتی دارد: رسول خدا (ص) از یارانش تفقد و دلجویی به عمل آورد و رجاع به امور مردم از آن ها سوال می کرد (دائره المعارف اطلاعات و امنیت، ج۲: ۵۵).

ج: در دوران پیامبر (ص) و بعد از ایشان کسانی به عنوان کارشناس در امور مردم و قبیله ها بودند و از طریق آن، افراد گزارش‌هایی از مردم می‌گرفتند. البته این افراد به عنوان عریف و خبره شناخته می‌شدند.

ث) لزوم تجسس، اطلاع و پیشگیری از اقدامات و غافلگیری دشمن از منظر قرآن

بیداری و آمادگی در برابر خطر دشمن

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا خُذُوا حِذْرَكُمْ فَانْفِرُوا ثُبَاتٍ أَوِ انْفِرُوا جَمِيعًا. ای اهل ایمان! [در برابر دشمن مهیا و آماده باشید و] سلاح ها و ساز و برگ جنگی خود را برگیرید، پس گروه گروه یا دسته جمعی [به سوی جنگ با دشمن] کوچ کنید(نساء/۷۱).

در تفسیر نمونه حذر را بر وزن خضر دانسته و می‌نویسد: حذر به دو معنا است. اول به معنای بیداری و آماده‌باش و مراقبت و هوشیاری در برابر خطر، دوم: گاهی به معنای وسیله‌ای که به کمک آن با خطر مبارزه می‌شود نیز آمده است(تفسیر نمونه، ج۴: ۲). اگرچه در این آیه به موضوع تجسس به منظور بیداری و آمادگی در برابر خطر دشمن تصریح نشده است، اما با توجه به اطلاق عبارت، «حذر» در آیه که دلالت بر بیداری و آگاهی دارد، چه بسا بتوان از لوازم معنای آن تجسس را نیز استفاده نمود و بنابراین می‌تواند در این زمینه نیز کاربرد داشته باشد.

گفته شده «اخذ حذره»، هنگامی که هوشیار باشد و از ترس و وحشت پرهیز نماید، گویا هوشیاری را وسیله‌ای قرار داده است که به وسیله آن خودش را حفظ می کند و با آن روحش را مصون می‌دارد(کشاف، ج۱: ۵۳۲). ظاهراً حذر در این آیه کنایه از آمادگی کامل به منظور حرکت برای جهاد است.

واضح و روشن است که معنای آمادگی کامل، همانگونه که به به کار رفتن سلاح دلالت می‌کند، بر اقدامات احتیاطی- امنیتی و آگاهی کامل از وضعیت دشمن و اقدامات جنگی وی نیز دلالت می‌کند، به این صورت که باید از تجهیزات نظامی، مقدار و نوع آن و تعداد نیروها، نحوه ارتباط میان گروه‌های نظامی و زیرمجموعه‌های آن ها اطلاع کامل کسب نمود.

عدم غفلت از دشمن و مهیا بودن برای دفاع

خداوند در سوره نساء آیه ۱۰۲ می‌فرماید: «هرگاه تو در میان سپاهیان بودی و برای آن ها اقامه نماز نمودی، باید گروهی با اسلحه به همراه تو نماز را به جای آورند و زمانی که به سجده رفتند، می‌بایست گروهی در پشت آن ها باشند و گروهی که نماز نخوانده اند، برای خواندن نماز بیایند، درحالی که مسلح می‌باشند. زیرا کافران امید دارند که شما از سلاح و وسایل خود غافل شوید تا ناگهان بر شما یورش برند. چنان که باران یا بیماری مانع از به دست گرفتن سلاح توسط شما شد، باکی نیست، اما از دشمن برحذر بشاید که خداوند برای کافران عذابی خوارکننده مهیا ساخته است».

در این آیه نیز به مانند آیه قبل میتوان استدلال نمود که اگرچه موضوع اصلی آیه، آمادگی برای دفاع است نه تجسس، اما به حکم عقل، آمادگی برای دفاع ملزوماتی داشته و یکی از این ملزومات، کسب اخبار و اطلاعات دشمن از طرق مختلف بوده که تجسس به منظور کسب اطلاعات دشمن و آمادگی نیروهای خودی، صورت گرفته است و درنتیجه از باب مقدمه واجب، لازم می‌گردد. در هر صورت، خداوند در این آیه نحوه نماز خوف به صورت جماعت را در صحنه کارزار بیان کرده و به مسلمانان دستور می‌دهد که هوشیار و مراقب باشند تا از دشمن غافل نشوند.

مراقبت و هوشیاری

خداوند در آیه ۴ سوره منافقون می‌فرماید:

«وقتی آنها را می‌بینی، (گیرایی) ظاهرشان تو را به شگفت می‌آورد و اگر سخن گویند، به گفتارشان گوش فرا می‌دهی، گویی آنها چوب‌های خشکی هستند که (به دیواری) تکیه داده شده‌اند، هر سخنی را که می‌شنوند، پندارند علیه آنها است. اینها دشمن دین هستند، پس از آنها برحذر باش، خدا آنها را بکشد، به کجا منحرف میشوند؟»اقتضای اطلاق حذر مراقبت از آنها و آگاهی از فعالیت‌های آنها و به کارگیری اقدامات اطلاعاتی و امنیتی درباره آنها به جهت خنثی کردن نقشه‌ها و دفع خطر آنها است.

آنچه از آیات استفاده می‌شود، عبارت است از اینکه: باید قبل از حرکت به سمت کارزار، نسبت به تمام امور مربوط به دشمن هوشیار بود و هر اقدامی با دقت صورت گیرد .آیات ذکرشده همگی بر هوشیاری و دقت در زندگی اشاره می‌کنند و تنها راه پرهیز از گرفتار شدن در دامن نیرنگ را هوشیاری معرفی کرده اند. یکی از بارزترین مصادیق هوشیاری و بیداری، آگاهی از محیط و کسب خبر و مطلع بودن از محیط و هرگونه توطئه و تهدید در پیرامون خود بوده و این هوشیاری و بیداری بخش مهمی از آن به وسیله شبکه خبردهی و تجسس است که امروزه به اشکال مختلف در جهان امروز محقق می‌شود. نتیجه اینکه به دلیل هوشیاری و بیداری و احتیاط باید تجسس کرد.

دلیل جواز جاسوسی علیه حکومت‌های اسلامی ستمگر و دشمنان داخلی

از رفتار حضرت علی (ع) با افرادی که علیه او تکبر ورزیدند، می‌توان مشروعیت جاسوسی علیه دولت‌های بیدادگر و حکومت‌های ستمگر اسلامی را که مسلمانان را زجر می‌دهند، چه آنهایی که به شیوه کفر حکومت می‌کنند و چه آنهایی که به شکل اسلامی اما منحرف و ناصحیح حکومت می‌کنند، به دست آورد، زیرا آن حضرت برای کسب اخبار دقیق از معاویه و یارانش و اطلاع از بازی‌های سیاسی آنها و تحرکات خصمانه نظامی آنها جاسوسی را در شام می‌گمارد.

الف: سید رضی در نهج البلاغه نامه حضرت امیر(ع) به کارگزار خود قثم بن عباس در مکه را بیان نموده:

«اما بعد، جاسوس من در شام برایم نوشته است، مردمی از اهل شام به حج فرستاده شده‌اند که قلبهایشان کور، گوشهایشان کر و دیدههایشان کور مادرزاد هست، کسانی هستند که حق را از طریق باطل می‌جویند و در معصیت خداوند از بندگان پیروی می‌کنند و به بهانه دین، شیر دنیا را می دوشند و دنیای حاضر را به عوض آخرت نیکوکاران پرهیزگار می‌خرند و کسی به سبب خیر هرگز رستگار نشود...(نهج البلاغه: نامه ۳۳: ۳۸۵).

این نص حاکی از آن است که حضرت علی (ع) جاسوسانی را به منظور جمع آوری اخبار از معاویه و تحرکات تخریبی یاران وی می‌گماشت.

با بررسی متون تاریخی به وجود نیروهایی برمی‌خوریم که وظیفه و مأموریتشان انتقال اطلاعات مربوط به دشمن و رساندن آنها به معصومین (ع) بوده است. از طرف دیگر افشاگری از عملکردها و فعالیت‌های به طور کامل محرمانه و سری دشمن یا گروه‌هایی که با حکومت مخالف‌اند و فعالیت‌های زیرزمینی و پنهانی دارند، کاری ساده و معمولی نیست و تنها از طریق چنین دستگاه‌های امنیتی که هدف از مأموریتشان مراقبات و تحت تعقیب قرار دادن آنان بوده، مقدور است. در اینجا برخی از متون را در مورد لزوم تجسس از دشمنان داخلی ذکر می‌نماییم.

ب: ابن هشام روایت می‌کند: به رسول خدا (ص) خبر دادند که گروهی از منافقین در خانه سویلم یهودی جمع شده‌اند. خانه سویلم در کنار خانه جاسوم قرار داشت و او مردم را از اینکه با پیامبر (ص) به جنگ تبوک بروند، بازمی‌داشت. رسول خدا فرزند عبید ا.. را با چند نفر دیگر از یارانش به سوی آنها فرستاد و به او و یارانش دستور داد تا خانه سویلم را آتش زده و خانه را بر سر آنها خراب کنند. طلحه چنین کرد(السیره النبویه، ج۴: ۱۶۰).

روشن است که حرکت و فعالیت منافقین و مردم یهود شهر مدینه، حرکتی خزنده و به طورکامل محرمانه بود؛ اما با این وجود پیامبر (ص) توانست با اقدامی آگاهانه حرکت مذبوحانه و خرابکارانه دشمن را برملا کرده و خنثی نماید. این خبر به وسیله شخصی به رسول خدا رسیده که او از دور دشمن را تحت نظر داشته و فعالیت آنان را در کنترل خود داشته است.

نمونه‌ای از تجسس به دستور امام معصوم (ع) در مورد افراد دشمن حکومتش که در بین مسلمین زندگی می‌کرد. انجام آن حرمت تجسس ندارد، چو غرض عقلی داشته و فعل معصوم حجت است برای ما.

ج) قاعده حفظ نظام

متأسفانه فقها به موضوع ضرورت حرمت و منع اختلال در آن به صورت یک قاعده فقهی نپرداخته‌اند و معنا و مفهوم و مبانی و آثار این قاعده، گرچه به صورت اجمال و به صورت پراکنده موجود است. حرمت و منع اختلال نظام در دکترین حقوقی اسلامی، بر خلاف فرض موجود که حفظ نظام اسلامی، منع اختلال در نظام را توجیه می‌نماید و به نوعی یک گفتمان دیوان سالاری از بالا به پایین را تداعی می نماید، حرمت و منع اختلال نظام اسلامی است که مقدمه حفظ نظام اسلامی قرار می‌گیرد. حفظ نظام اسلامی در برابر خطرها از اوجب واجبات و حتمی است که علاوه بر نصوص عقل نیز بر این امر صحه می‌گذارند. هرچند در آثار فقهی پیشینیان از قاعده حفظ نظام اسلامی نام برده نشده است، این حکام کلی و عام یکی از احکام فقهای مذاهب اسلامی به شمار می‌رود(هرندی و عرب، ۱۳۹۲: ۲۶). حتی اگر نصوص موجود که دلالت بر وجود این امر می‌کنند نیز وجود نداشت، تشخیص عقلی و پرهیز از اختلال نظام اجتماعی در این مورد کفایت می‌کرد تا جایی که «وجوب حفظ نظام مسلمانان و حمایت از آن در نزد فقهای ما از مسلمات محسوب می‌شود»(مکاسب محرمه، ج۲: ۲۰۳). پس اگر حفظ نظام واجب است، مقدماتش نیز واجب است که با قدرت وجود داشته باشد(مکاسب شیخ انصاری: ۵۶). علاوه بر ادله عام وجوب حفظ نظام، ادله خاصی نیز در این زمینه وجود دارند، از جمله آیات چهارم سوره منافقون. در شأن نزول این آیه گفته شده است که زید بن ارقام از عباد بن ابی، رهبر منافقان مدینه استماع نمود که وی درصدد است تا پس از دخول به شهر مزبور، پیامبر (ص) را از آنجا بیرون کند. از این رو زید به پیامبر (ص) خبر داده و ایشان نیز در حق وی دعا نمود (مجمع البان، بی‌تا، ذیل سوره منافقون، آیات ۱۱-۶).

«از بارزترین مقدمات حفظ نظام، داشتن سازمانی امنیتی است که عهده دار کسب اخبار و کشف توطئه‌ها برای حفظ نظام باشد» حال به چند نمونه تاریخی اشاره می‌کنیم:

۱.حضرت علی (ع) زمانی که برای رویارویی با اصحاب جمل به سمت بصره در حرکت بود خطبه ای قراءت نمود که به قسمتی از آن اشاره می‌شود:

«این افراد به سبب بغض و ناخشنودی خود در رابطه با حکومت من به توافق رسیده‌اند و من مادامی که بر جماعت شما نترسم، صبر می‌کنم، زیرا اگر آن ها بر اساس این دیدگاه سست و ضعیف اقدام به کاری کنند، نظام مسلمانان از بین خواهد رفت» (نهج البلاغه، خطبه ۲۴۳:۱۷۹).

این فرمایش حضرت، حاکی از آن است کاه روشن شد نیت پلید آنان در جهت اختلال نظام اجتماع ملاک برخورد با آنان است. ترس از فرو ریختن نظام است نه یقین داشتن به آن. پس هرگاه نشانه‌های هشداردهنده حاکی از وجود خطر آشکار گردید، به شکلی که در نزد عقل ایجاد ترس می‌نمود، همین کافی است که درباره عاملین آن اقدام امنیتی لازم (تجسس) صورت گیرد. همچنان که این شیوه عقلاء در برخورد با خطرهای به وجود آمده در مورد آن ها ملاک است.

۲. روایت پیامبر (ص): «اگر فردی از امت من عهده‌دار امری از امور مسلمانان شود و آن گونه که درباره خودش و اطرافیانش به مواظبت و مراقبت می‌پردازد، همت نگمارد، بوی بهشت را نیز استشمام نخواهد کرد»(معجم الصغیر، ج۲: ۵۴). توضیح اینکه مراقبت از اطرافیان، منظور کارگزاران و هم مردم تحت حکومت اوست که با این بیان حضرت بر حاکم لازم می‌داند تا از اوضاع و احوال آن ها باخبر باشد و کسب خبر نماید و بی تفاوت نباشد. این یعنی به منظور حفظ حکومت و ایجاد امنیت برای مردم، از طریق جاسوسان و عیون از اخبار و احوالات آنان باخبر باشد. حکومتی که از وضع کارگزاران و مردم خود اطلاعات و اخبار لازم نداشته باشد، به زودی توسط افراد نا اهل و توطئه‌گر، ریشه‌های آن متزلزل خواهد شد و فرو خواهد ریخت.

حضرت امام خمینی (ره) در بیانات متعدد خود، حفظ نظام اسلامی را از مهم‌ترین واجبات دینی، عقلی و شرعی دانسته‌اند. ایشان در صحیفه امام می‌فرمایند: «حفظ اسلام یک فریضه الهی است، بالاتر از تمام فرایض؛ یعنی، هیچ فریضه‌ای در اسلام بالاتر از حفظ خود اسلام نیست. اگر حفظ اسلام جزء فرایض بزرگ است و بزرگ‌ترین فریضه است، بر همه ما و شما و همه ملت و همه روحانیون حفظ این جمهوری اسلامی از اعظم فرایض است» (امام خمینی، بی‌تا، ج۱۵: ۳۲۹).

ایشان در تبیین این دیدگاه، به دلایل مختلفی از جمله قرآن، سنت، عقل و اجماع استناد کرده‌اند. در کتاب ولایت فقیه، امام خمینی (ره) بیان می‌کنند که احکام اسلامی اعم از قوانین اقتصادی، سیاسی و حقوقی تا روز قیامت باقی و لازم‌الاجراست و اجرای آن‌ها جز از رهگذر برپایی حکومت اسلامی امکان‌پذیر نیست؛ در غیر این صورت، جامعه به سوی هرج و مرج رفته و اختلال و بی‌نظمی بر همه امور آن مستولی خواهد شد (امام خمینی، ۶۱۹:۱۳۸۵).

بر این اساس، حفظ نظام اسلامی نه تنها به‌عنوان یک وظیفه شرعی، بلکه به‌عنوان یک ضرورت عقلی و اجتماعی مطرح شده است. امام خمینی (ره) تأکید دارند که در فرض تلازم حفظ اصل اسلام با حفظ نظام اسلامی، حفظ نظام را مهم‌ترین فریضه اسلامی می‌دانند (ویکی امام خمینی، ۱۴۰۴).

حضرت امام خمینی (ره) در آثار فقهی خود از جمله کتاب «البیع» و همچنین در بیانات حکومتی خود، تصریح کرده‌اند که «حفظ نظام اسلامی از اوجب واجبات است» (خمینی، ۱۳۷۹، ج۲: ۴۷۲). این اصل فقهی، به‌ویژه در اندیشه فقه حکومتی، مبنای بسیاری از تصمیمات مشروع ولی‌فقیه در چارچوب احکام حکومتی قرار می‌گیرد.

بر پایه این اصل، اگر حراست از حریم خصوصی با تهدیدی جدی علیه نظام اسلامی مواجه شود، و این تهدید صرفاً از مسیر ورود محدود به حوزه خصوصی قابل دفع باشد، در این صورت و تنها با طی تشریفات دقیق شرعی و قانونی، می‌توان ورود موقت و کنترل‌شده را مشروع دانست.

به تعبیر دیگر، همان‌گونه که اصل بر حرمت تجسس و احترام به حریم خصوصی است، اما اگر تهدیدی متوجه «امنیت ملی و کیان نظام اسلامی» باشد، در قالب قواعدی چون «قاعده اهم و مهم»، «قاعده نفی عسر و حرج» و مهم‌تر از همه اصل «حفظ نظام»، می‌توان این حق را با ملاحظات خاص تحدید نمود (کدیور، ۱۳۸۰؛ مصباح یزدی، ۱۳۹۲).

با توجه به آنچه گفته شد، فقه شیعه به‌طور قاطع بر حرمت ورود به حریم خصوصی و منع تجسس تأکید دارد؛ اما این حکم مطلق نبوده و در موارد خاص و ضروری، از جمله برای حفظ نظام اسلامی،

امکان اعمال استثناء وجود دارد. البته این استثنا منوط به طی فرآیندهای دقیق شرعی، صدور حکم توسط حاکم شرع یا نهادهای قانونی ذی‌ربط و رعایت مصلحت عمومی است. به‌عبارتی، فقه اسلامی ضمن دفاع قوی از حقوق شهروندی، سازوکارهایی برای تنظیم رابطه این حقوق با ضرورت‌های حکومتی و امنیتی پیش‌بینی کرده است.

تعامل و تعادل؛ راهکارهای تلفیق امنیت و حقوق

۱ .آسیب‌شناسی برخوردهای افراطی یا تفریطی

در نظام‌های حقوقی، تعادل میان حفظ امنیت ملی و احترام به حقوق شهروندی از اهمیت بالایی برخوردار است .برخی از نهادهای امنیتی ممکن است در مواجهه با تهدیدات، به اقدامات افراطی دست زنند که منجر به نقض حقوق اساسی افراد می‌شود .برای مثال، در برخی موارد، شنود مکالمات بدون مجوز قانونی صورت گرفته است که برخلاف اصل ۲۵ قانون اساسی است (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۵۸).

از سوی دیگر، تفریط در اجرای وظایف امنیتی نیز می‌تواند زمینه‌ساز بروز تهدیدات جدی برای امنیت ملی شود .بنابراین، ضرورت دارد تا نهادهای مسئول با رعایت دقیق قوانین و مقررات، از هرگونه افراط یا تفریط در اقدامات خود پرهیز کنند.

۲ .اصول راهبردی در تلفیق امنیت و حقوق شهروندی

برای تحقق تعادل میان امنیت و حقوق شهروندی، می‌توان به اصول زیر اشاره کرد:

- **اصل تناسب** :هرگونه محدودیت بر حقوق شهروندی باید متناسب با تهدید موجود باشد و از حداقل مداخله لازم فراتر نرود.
- **اصل ضرورت** :محدودیت‌ها باید تنها در مواردی اعمال شوند که ضرورت واقعی برای حفظ امنیت وجود دارد.

- **اصل قانونی بودن** :هرگونه اقدام محدودکننده باید مستند به قانون باشد و از مجاری قانونی صورت گیرد.
- **اصل نظارت قضایی** :اقدامات امنیتی باید تحت نظارت مراجع قضایی قرار داشته باشند تا از سوءاستفاده‌های احتمالی جلوگیری شود.

این اصول می‌توانند به عنوان راهنمایی برای نهادهای امنیتی و قضایی در جهت حفظ تعادل میان امنیت و حقوق شهروندی عمل کنند (منشور حقوق شهروندی، ۱۳۹۵).

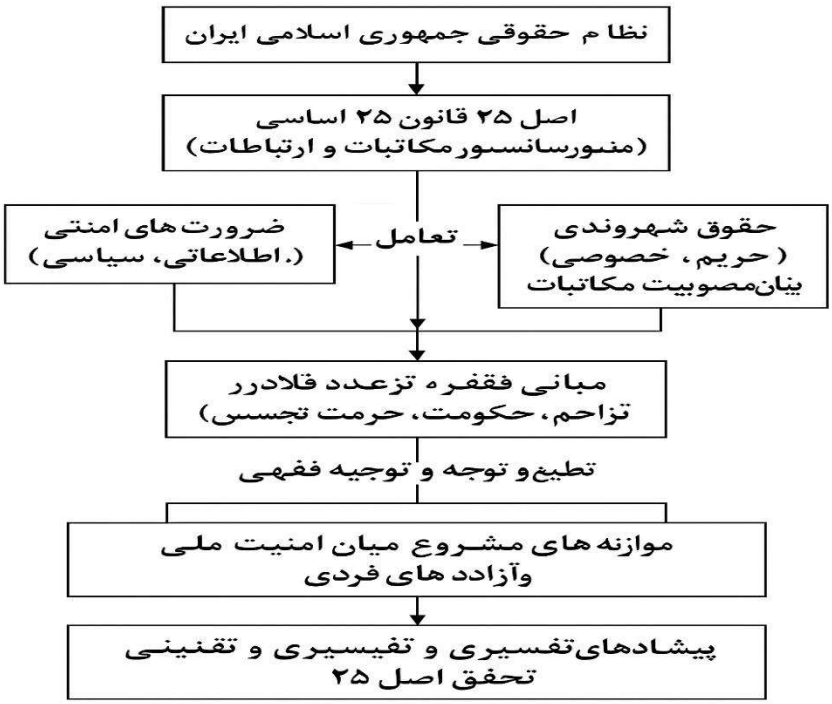
۳ .پیشنهاد چارچوبی قانونی و فقهی برای اعمال اصل ۲۵ با رعایت حقوق شهروندان

برای اعمال اصل ۲۵ قانون اساسی با رعایت حقوق شهروندان، پیشنهاد می‌شود چارچوبی قانونی و فقهی تدوین شود که شامل موارد زیر باشد:

- **تدوین دستورالعمل‌های شفاف** :نهادهای ذی‌ربط باید دستورالعمل‌های شفافی برای مواردی که مجاز به مداخله در حریم خصوصی هستند، تدوین و منتشر کنند.
- **آموزش و آگاهی‌بخشی** :کارکنان نهادهای امنیتی باید آموزش‌های لازم در زمینه حقوق شهروندی و حدود مداخلات قانونی را دریافت کنند.
- **نظارت مستمر** :مراجع نظارتی باید به طور مستمر بر عملکرد نهادهای امنیتی نظارت داشته باشند تا از انحرافات احتمالی جلوگیری شود.
- **استفاده از منابع فقهی** :با بهره‌گیری از منابع فقهی، می‌توان مبانی شرعی برای محدودیت‌های قانونی تعیین کرد تا اقدامات امنیتی با اصول اسلامی همخوانی داشته باشند (فرمان هشت ماده‌ای امام خمینی، ۱۳۶۱).

اجرای این چارچوب می‌تواند به تحقق تعادل مطلوب میان امنیت ملی و حقوق شهروندی کمک کند و از بروز تعارضات در این زمینه جلوگیری نماید.

مدل مفهومی تحقیق:



این مدل، تلاشی است برای تبیین تعامل پیچیده میان اصل ۲۵ قانون اساسی که ناظر بر صیانت از حریم خصوصی ارتباطات و منع سانسور است، با ضرورت‌های امنیتی که گاه اقتضا می‌کند دولت در برخی موارد به این حریم ورود کند. بر اساس مبانی فقهی مانند قاعده لاضرر، تزاحم، و حرمت تجسس، می‌توان حدود این دخالت را مشروع‌سازی یا محدود کرد. از سوی دیگر، حقوق شهروندی در قالب مصونیت مکاتبات، آزادی بیان و حفظ حریم خصوصی، بستر قانونی و ارزشی مقابله با مداخلات غیرضروری را فراهم می‌کند. این مدل تلاش می‌کند در پرتو مبانی فقهی، به ارائه تفسیری واقع‌بینانه و قابل اجرا از اصل ۲۵ بپردازد تا توازن میان امنیت ملی و آزادی‌های فردی حفظ شود.

تجزیه و تحلیل داده‌های تحقیق

تحلیل داده‌های این تحقیق با اتکا به رویکرد توصیفی ـ تحلیلی، به واکاوی مبانی فقهی و حقوقی اصل ۲۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و نسبت آن با ضرورت‌های امنیتی پرداخته است. داده‌ها از منابع کتابخانه‌ای، متون فقهی، آرای فقهاء، نظریات شورای نگهبان، قوانین عادی، و رویه‌های قضایی گردآوری و بر اساس الگوی مفهومی تحقیق در سه محور کلان تحلیل شده‌اند: مبانی نظری، الزامات قانونی، و بسترهای امنیتی.

نخست، داده‌ها نشان داد که اصل ۲۵ قانون اساسی بر اصل مصونیت ارتباطات خصوصی تأکید دارد و تنها در موارد استثنایی و با حکم قانون امکان تعرض را پذیرفته است. تحلیل مشروح مذاکرات مجلس خبرگان قانون اساسی، به‌ویژه سخنان آیت‌الله مکارم شیرازی، بیانگر آن است که قید «مگر به حکم قانون» نه به‌عنوان خلأ، بلکه به‌عنوان یک آگاهی قانون‌گذارانه برای حفظ مصالح کشور و در نظر گرفتن شرایط اضطراری گنجانده شده است. این داده‌ها بر نقش محوری قانون در تحدید آزادی‌ها دلالت دارند.

در محور فقهی، داده‌های استخراج‌شده از آیات قرآن کریم، روایات معتبر، و اجماع فقهاء امامیه، بر حرمت تجسس و لزوم حفظ اسرار تأکید دارند. با این حال، قواعدی نظیر اهم و مهم، قاعده اضطرار، قاعده مصلحت عمومی و قاعده حفظ نظام، در موارد خاص و محدود، امکان مداخله مشروع دولت در حریم خصوصی را تحت شرایط خاص توجیه می‌کنند. تحلیل روایات و سیره معصومین نیز مؤید آن است که در شرایط تهدید علنی علیه نظام اسلامی، امکان تجسس و ورود به حریم خصوصی، در چارچوب شرعی و با هدف دفع ضرر اهم، وجود دارد.

از منظر حقوقی، داده‌های حاصل از بررسی قوانین عادی نظیر ماده ۵۸۲ و ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی، ماده ۱۵۰ آیین دادرسی کیفری، و نیز نظرات شورای نگهبان، دلالت بر آن دارند که مداخله در حریم خصوصی شهروندان، صرفاً در صورت وجود حکم قانونی روشن و مجوز قضایی موجه، قابل قبول است. افزون بر آن، رویه‌های قضایی مورد بررسی در پرونده‌های مرتبط، حکایت از آن

دارد که در صورت تخطی مأموران از حدود قانونی، احکام انضباطی، کیفری و اداری برای آن‌ها اعمال شده است. این امر نشانگر عزم نسبی دستگاه قضایی در صیانت از اصل ۲۵ قانون اساسی است.

در بخش نظریه‌های امنیتی، تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که نظریه امنیت‌سازی (Securitization) در قالب تفسیری نوین از تهدیدات، می‌تواند زمینه گسترش دامنه مداخلات امنیتی را فراهم آورد. از سوی دیگر، نظریاتی مانند قیّم‌سالاری و موازنه آزادی و امنیت، چارچوب‌های توجیهی برای اعمال محدودیت‌های قانونی فراهم می‌کنند، اما بر لزوم تناسب، ضرورت و مشروعیت مداخله تأکید دارند.

تحلیل تطبیقی این داده‌ها نشان می‌دهد که در نظام جمهوری اسلامی ایران، مبنای مشروعیت مداخله دولت در حریم خصوصی، یک ترکیب چندلایه از شریعت اسلامی، قانون اساسی، قوانین عادی، و تشخیص قضایی مبتنی بر ضرورت‌های امنیتی است. در این میان، فقدان یک چارچوب تقنینی شفاف، عدم انسجام در رویه‌های قضایی، و برداشت‌های موسع از مفاهیم امنیتی، از آسیب‌های جدی در اجرای صحیح اصل ۲۵ محسوب می‌شود.

در نهایت، داده‌ها حاکی از آن‌اند که برای تحقق تعامل منطقی و مؤثر میان امنیت ملی و حقوق شهروندی، لازم است سازوکارهای نظارتی قوی، آموزش‌های تخصصی برای ضابطین، شفافیت در مداخلات قانونی، و ایجاد رویه‌های حقوقی مدون پیرامون تفسیر اصل ۲۵، در دستور کار قرار گیرد.

تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق

یافته‌های تحقیق حاضر، بر مبنای تحلیل نظام‌مند داده‌ها از منابع فقهی، حقوقی و امنیتی، نشان می‌دهد که اصل ۲۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دربردارنده‌ی مفهومی دووجهی است: از یک سو، تأکید قاطع بر مصونیت مکاتبات و ارتباطات خصوصی شهروندان، و از سوی دیگر، پذیرش مداخله مشروط و محدود حکومت در صورت وجود «حکم قانون». این دوگانگی در ذات اصل ۲۵،

بازتاب‌دهنده‌ی تلاش قانون‌گذار اساسی برای برقراری تعادل میان کرامت انسانی و حفظ نظام اسلامی است.

از منظر فقهی، اصل بر حرمت تجسس و حفظ حریم خصوصی است، اما قواعدی نظیر اهم و مهم، اضطرار، مصلحت عمومی و حفظ نظام اسلامی، در موارد خاص، امکان مداخله مشروع حاکم اسلامی را تأیید می‌کند. به‌ویژه در مواجهه با تهدیداتی که کیان نظام را نشانه گرفته‌اند، تجسس با رعایت ضوابط شرعی و قانونی، نه‌تنها مجاز بلکه گاه واجب دانسته شده است.

یافته‌های تطبیقی پژوهش نیز نشان می‌دهد که در نظام‌های دموکراتیک مدرن، مداخله در حریم خصوصی تنها زمانی مشروع است که سه شرط کلیدی را رعایت کند :اصل تناسب، اصل ضرورت و اصل قانونی بودن .در جمهوری اسلامی ایران، در بعد حقوقی نیز تحلیل رویه‌ها و مقررات نشان می‌دهد که هرگونه تحدید حقوق ارتباطی، باید با مجوز صریح قانون و نظارت قضایی همراه باشد با وجود وجود زیرساخت‌های قانونی برای تحقق این سه اصل، خلأهایی در حوزه شفافیت رویه‌های قضایی، نبود دستورالعمل‌های جامع و متمرکز برای کلیه نهادهای امنیتی ، فقدان دستورالعمل‌های نظارتی مشخص، و برداشت‌های موسع از مفهوم ضرورت امنیتی وجود دارد که می‌تواند چالش هایی را در اجرای اصل ۲۵ ایجاد نماید. پژوهش بر این نکته تأکید دارد که جواز استثنایی تجسس تنها در چارچوب قانون، شرع و ضرورت واقعی امنیتی موجه است و بدون رعایت این اصول، می‌تواند مشروعیت حقوقی و دینی خود را از دست بدهد.

در نهایت، یافته‌ها بر این نکته تأکید دارند که راهکار مشروع و باثبات برای تعامل میان ضرورت‌های امنیتی و حقوق شهروندی، نه در حذف یا نادیده‌انگاری یکی به سود دیگری، بلکه در طراحی نظام حقوقی و شرعی ناظر بر تحدید مشروع و استثنایی آزادی‌ها است. این نظام باید از یک‌سو بر اصول بنیادین فقهی استوار باشد، و از سوی دیگر در قالب قوانین شفاف، قابل‌نظارت و پاسخگو تدوین گردد تا هم امنیت ملی تأمین شود و هم اعتماد عمومی و کرامت انسانی محفوظ بماند .

جمع‌بندی یافته‌ها

اصل ۲۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، از جمله اصول بنیادین در پاسداشت حقوق شهروندی است که با تأکید بر مصونیت مکاتبات، مراسلات و ارتباطات خصوصی، هرگونه بازرسی، سانسور، استراق سمع و تجسس را جز به حکم قانون ممنوع می‌داند. این ممنوعیت، ریشه در آموزه‌های قرآنی و روایی فقه امامیه دارد که بر حرمت تجسس، حفظ اسرار و احترام به حریم فردی به‌عنوان اصول قطعی شریعت تأکید کرده‌اند. آیات نهی از تجسس، روایات اهل بیت (ع)، و اجماع فقها همگی دلالت بر آن دارند که ورود به حریم خصوصی بدون مجوز شرعی، جایز نیست.

فقه شیعه در کنار تأکید بر این حرمت، راهکارهایی برای مشروعیت ورود مشروط به این حریم در شرایط استثنایی ارائه داده است. قواعد فقهی مانند قاعده اهم و مهم، قاعده اضطرار، قاعده مصلحت عمومی و اصل حفظ نظام، بستر نظری مشروعیت چنین مداخلاتی را در موارد تهدیدات امنیتی، توطئه علیه مصالح کشور یا دفع ضرر بزرگ فراهم کرده‌اند. از منظر این قواعد، هرگونه ورود به حریم خصوصی تنها در صورتی مجاز است که در راستای دفع مفسده‌ای بزرگ‌تر یا تأمین مصلحتی حیاتی باشد، و آن‌هم باید با تشخیص حاکم شرع یا نهادهای قانونی و تحت نظارت قضایی انجام شود.

شرح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی نیز گواه روشنی بر همین منطق فقهی و حقوقی است. در جلسه ۲۷، آیت‌الله مکارم شیرازی به‌صراحت تأکید می‌کند که اصل حرمت ورود به حریم خصوصی باید محفوظ بماند، اما «در همه دنیا و حتی در اسلام» استثنائاتی بر اساس ضرورت‌های امنیتی وجود دارد. ایشان تأکید می‌کند که اگر گروهی در مظنه‌ی جاسوسی باشند و اثبات شود، ورود به حریم آن‌ها نه‌تنها جایز بلکه ضروری است، و این امر در اسلام ذیل قاعده اهم و مهم و در قوانین دنیا به‌طور عام پذیرفته شده است. او از این رو پیشنهاد می‌دهد که متن اصل با اطلاق تدوین شود ولی با قید «به حکم قانون»، امکان ورود قانونی و استثنایی را حفظ کند.

جمع‌بندی این پژوهش نشان می‌دهد که اصل بر حرمت مطلق تجسس و ورود به حریم خصوصی است، اما با لحاظ ضرورت‌های واقعی، مصلحت‌های عمومی و ضوابط دقیق شرعی و قانونی، امکان اعمال استثناء در چارچوب مقررات مشروع فراهم است .تضمین این تعادل، مستلزم شفاف‌سازی قوانین، نظارت قضایی مستمر و پرهیز از افراط در برداشت‌های امنیتی است تا هم حقوق شهروندی پاس داشته شود و هم اقتضائات نظام اسلامی در مواجهه با تهدیدات پاسخ یابد.

پاسخ به سؤال تحقیق

یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که اصل بر ممنوعیت مطلق ورود به حریم خصوصی افراد است، و این ممنوعیت، از منظر فقهی، مستند به آیات قرآن («وَ لا تَجَسَّسُوا»)، روایات معتبر شیعی، اجماع فقها و قواعد فقهی مانند احترام به کرامت انسان، سلطنت بر نفس و قاعده لاضرر است. اصل ۲۵ قانون اساسی نیز با همین مبنا، هرگونه تجسس، استراق سمع، بازرسی نامه‌ها، افشای مکالمات و سانسور را، جز به حکم قانون، ممنوع اعلام کرده است.

با این حال، فقه امامیه در کنار این ممنوعیت، استثنائاتی مشروع را پذیرفته است که ناظر به ضرورت‌های بزرگ‌تر اجتماعی یا امنیتی‌اند. قواعدی چون:

- قاعده اهم و مهم (تقدیم مصلحت بزرگ‌تر بر مصلحت کوچک‌تر)
- قاعده اضطرار (رفع حرمت در شرایط اجبار واقعی)
- قاعده مصلحت عمومی (تقدیم خیر جمعی بر منفعت فردی)
- قاعده حفظ نظام (اوج وجوبات شرعی در حکومت اسلامی)

همگی دلالت بر آن دارند که در مواردی که امنیت ملی، دفع خطر قریب، کشف توطئه، یا مقابله با جرایم سازمان‌یافته در میان باشد، و شرایط آن به‌درستی احراز شده باشد، مداخله محدود، هدفمند، قانونی و تحت نظارت قضایی در حریم خصوصی افراد مجاز می‌گردد.

این رویکرد در مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی نیز مورد تأکید قرار گرفته است؛ از جمله در جلسه بیست‌وهفتم که آیت‌الله مکارم شیرازی در دفاع از ضرورت درج قید استثناء در متن اصل، تأکید می‌کند که «هم اسلام و هم عقل و هم قوانین دنیا اجازه می‌دهد» که در موارد مظنه‌ی جاسوسی یا تهدید علیه مصالح کشور، ورود مشروط به حریم خصوصی انجام شود. ایشان تصریح می‌کند که حذف این استثناء، کشور را در معرض خطر قرار می‌دهد و با منطق اهم و مهم در تعارض است.

در نتیجه، حد مشروع دخالت حکومت در حریم خصوصی افراد، تنها در صورتی موجه و مجاز است که:

۱. ضرورت امنیتی واقعی و مستند وجود داشته باشد؛

۲. مداخله صرفاً از طریق حکم قانونی یا قضایی انجام شود؛

۳. محدوده مداخله مشخص، متناسب و هدفمند باشد؛

۴. اصل بر موقت‌بودن و استثنایی‌بودن چنین مداخلاتی حفظ گردد؛

۵. نظارت نهادهای قضایی و پاسخگویی رسمی در فرآیند اعمال اصل ۲۵ لحاظ شود.

بدین‌سان، اصل ۲۵ نه‌تنها از حقوق بنیادین شهروندی در حوزه ارتباطات دفاع می‌کند، بلکه با حفظ قید «مگر به حکم قانون»، راه را برای پاسخ‌گویی مشروع نظام اسلامی به تهدیدات واقعی نیز باز می‌گذارد؛ مشروط بر آن‌که مرزهای شریعت، قانون و کرامت انسانی محترم شمرده شود.

نتیجه‌گیری

اصل ۲۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اصول تضمین‌کننده حریم خصوصی شهروندان، در عین تأکید بر ممنوعیت تجسس و افشای مکاتبات، به‌روشنی یک استثناء مهم را نیز در خود گنجانده است» :مگر به حکم قانون .«این استثناء، برخلاف آنچه گاه ساده‌انگارانه تفسیر می‌شود، نه یک خلأ بلکه یک ظرفیت قانونمند و حکیمانه برای صیانت از امنیت ملی و مصالح عمومی است. بررسی مذاکرات مجلس خبرگان قانون اساسی نیز نشان می‌دهد که طراحان قانون با آگاهی از خطرات امنیتی و تهدیدات داخلی و خارجی، این بند استثنایی را تعبیه کردند تا دست نهادهای امنیتی در شرایط اضطراری و تهدیدزا بسته نماند.

از منظر فقهی نیز گرچه اصل بر حرمت تجسس است، اما در موارد خاص، قواعد فقهی مانند «قاعده اهم و مهم»، «قاعده اضطرار»، «قاعده مصلحت عمومی» و بالاتر از همه،« قاعده حفظ نظام » امکان مداخله مشروع و حتی الزامی حکومت در حریم خصوصی را فراهم می‌کند. فقه حکومتی بر آن است که حفظ نظام اسلامی از اوجب واجبات است و هرگاه حفظ این نظام در معرض تهدید جدی قرار گیرد، محدودسازی برخی حقوق فردی ـ از جمله حریم خصوصی ـ با رعایت شروط خاص، مشروع و لازم خواهد بود. بر همین اساس، تجسس در مواردی که دسترسی به اطلاعات پنهان دشمنان داخلی یا خارجی ضروری باشد، نه‌تنها جایز، بلکه واجب شرعی تلقی می‌شود.از نظر اطلاعاتی نیز، مقابله مؤثر با تهدیدات نوپدید چون تروریسم سایبری، جاسوسی اطلاعاتی، نفوذ فرهنگی، خرابکاری نرم و جنگ ترکیبی، مستلزم دسترسی هدفمند و دقیق به ارتباطات پنهان شبکه‌های معارض است. این نوع تهدیدات اغلب در قالب فعالیت‌های غیرعلنی و سازمان‌یافته شکل می‌گیرند و تنها ابزار مقابله با آن‌ها، گردآوری اطلاعات پیش‌دستانه از مسیر نظارتی و گاه تجسسی است. در این چارچوب، اصل ۲۵ نه یک مانع، بلکه یک ریل‌گذاری حقوقی برای مشروع‌سازی ورود دولت به حریم خصوصی در شرایط ضرورت اطلاعاتی است؛ به‌شرط آن‌که این ورود، محدود، مستند به قانون، و تحت نظارت قضایی باشد.

بررسی رویه‌های قضایی، نظریات شورای نگهبان و تحلیل پرونده‌های کیفری، نشان می‌دهد که تجسس در ایران، تنها در صورت وجود مجوز صریح قانونی و ضرورت امنیتی واقعی پذیرفته شده و هرگونه مداخله خودسرانه، حتی توسط ضابطین یا قضات، مستوجب مجازات است. این رویه‌ها نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی در تلاش است تا از یک‌سو دست نهادهای امنیتی را برای صیانت از نظام اسلامی باز گذارد و از سوی دیگر، حدود قانونی و شرعی این مداخلات را با دقت تعیین کند تا حریم خصوصی شهروندان بی‌جهت نقض نگردد.

در نهایت، تحقیق حاضر تأکید می‌کند که جواز تجسس و تحدید حریم خصوصی، نه نقض اصل ۲۵ بلکه تحقق منطقی آن در بستر حاکمیت اسلامی است .این اصل، همچون بسیاری از اصول قانون اساسی، دارای منطق «تقدم مصلحت عمومی بر حق فردی» در شرایط خاص است. بنابراین، پیشنهاد می‌شود برای کارآمدسازی اصل ۲۵، الگوی روشن‌تری از موارد استثناء، شرایط اضطرار، مرجع تشخیص تهدید و حدود تجسس مشروع تدوین گردد تا نهادهای امنیتی ضمن حفظ مشروعیت، بتوانند با بهره‌گیری از ظرفیت‌های فقهی و حقوقی، نقش خود را در تأمین امنیت ملی ایفا کنند، بی‌آن‌که حرمت حقوق شهروندی را در کلیت آن زیر پا گذارند.

پیشنهادهای اجرایی و پژوهشی

الف) اجرایی

۱. تدوین آیین‌نامه‌های شفاف و دقیق در زمینه بازرسی و شنود، با رعایت اصل تناسب، ضرورت و نظارت قضایی بصورت جامع و یکسان برای تمامی نهادهای امنیتی.

۲. آموزش قضات، ضابطان و نهادهای امنیتی در زمینه‌ی حقوق شهروندی و مبانی فقهی مرتبط.

۳. راه‌اندازی نهاد نظارتی مستقل برای رسیدگی به شکایات مربوط به نقض حریم خصوصی.

ب) پژوهشی

۱. مطالعه تطبیقی میان رویه‌های کشورهای مختلف اسلامی در زمینه‌ی حریم خصوصی و امنیت ملی.

۲. بررسی فقهی شرایط جواز افشای اسرار در نظام‌های اطلاعاتی با تأکید بر نظریه مصلحت.

۳. تحلیل حقوقی-روان‌شناختی آثار نقض حریم خصوصی بر اعتماد عمومی به نظام سیاسی.

منابع و مآخذ

۱.امام خمینی.(بی‌تا)، صحیفه امام (ج ۱۵). مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

۲. امام خمینی. (۱۳۸۵)، ولایت فقیه. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

۳. امام خمینی. (۱۳۷۹) ، *کتاب البیع* ،جلد ۲،تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

۴.اداره کل حقوقی قوه قضاییه. (۱۳۹۷، *نظریه مشورتی شماره ۷/۹۷/۲۴۴۰ مورخ ۰۵/۰۹/۱۳۹۷*).

۵.افتخاری, اصغر . (۱۳۹۳). تحلیل الگوی تعامل و آزادی و امنیت .*پژوهش های راهبردی سیاست* ۳ .۹۹-۸۳ ,(۸)

۶. باقی، عمادالدین. (۱۳۹۶) *حق حریم خصوصی در فقه و قانون* .سایت گویا. دریافت‌شده از : https://news.gooya.com/2017/07/post-5820.php

۷. دادگستری جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۹۰)، آرای قضایی.

۸. دشتی سعید(۱۳۹۲)؛«ویژگی‌های سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی و کارکنان آنها در نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران از منظر امام خامنه‌ای مدظله العالی» فصلنامه اطلاعاتی ـ حفاظتی جامعه اطلاعاتی ، شماره۱۴.

۹. رئیسی، ابراهیم. (۱۴۰۲)،*بیانات رئیس قوه قضاییه درباره اصل ۲۵ قانون اساسی* .پایگاه خبری انتخاب. دریافت‌شده از *https://www.entekhab.ir/fa/news/830389* :

۱۰. شورای نگهبان. (۱۳۹۶) ،بازخوانی نظرات شورای نگهبان.

۱۱. شهید ثانی، زین الدین. (۱۴۱۳ق)، الروضة البهیه. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

۱۲. صدوق،محمد ،الخصال، ترجمه کمره‌ای، ۱۳۷۷ش،ج۲.

۱۳. طباطبایی، محمدحسین. (۱۴۱۷ق)، تفسیر المیزان. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

۱۴. علوی، ح.(۱۳۹۹).،امنیت، حقوق شهروندی و کنترل قدرت نهادهای اطلاعاتی .*پژوهشنامه اطلاعات و امنیت، ۱۵(۱)*، ۱۲۰-۱۴۳.

۱۵. فرمان هشت ماده‌ای امام خمینی. (۱۳۶۱)،در: صحیفه امام، جلد ۱۷، صفحه ۲۵۲.

۱۶. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۵۸) اصل ۲۵.

۱۷. قانون مجازات اسلامی (تعزیرات). (۱۳۷۵)،قانون آیین دادرسی کیفری. (۱۳۹۲).

۱۸. قانون نظارت بر رفتار قضات. (۱۳۹۰).

۱۹. قانون مجازات اسلامی. (۱۳۹۲). مواد ۵۸۲ و ۵۸۷. روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران.

۲۰.کدیور، محسن. (۱۳۸۰)،«حفظ نظام از اوجب واجبات است؟»، *کیهان اندیشه*، شماره ۶۲.

۲۱. کلینی، محمد. (۱۴۰۷ق)،الکافی. قم: دارالحدیث.

۲۲. محقق حلی، ن. (۱۴۰۸ق)، شرائع الاسلام. قم: مؤسسه نشر اسلامی.

۲۳. متقی، ابراهیم. (۱۳۸۹)،گونه‌شناسی تهدیدهای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران .*آفاق امنیت، ۳(۸)*، ۵۶-۷۸.

۲۴. مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.(۱۳۶۴)،*صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (جلد اول: جلسات اول تا سی و یکم .(* تهران: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی.

۲۵. محسنی، فرید.(۱۳۸۹)، حریم خصوصی اطلاعات (مطالعه کیفری در حقوق ایران، ایالات متحده آمریکا و فقه امامیه) تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (علیه السلام).

۲۶. مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۹۲) ، *فقه حکومتی* .قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

۲۷. منشور حقوق شهروندی. (۱۳۹۵)،وزارت دادگستری جمهوری اسلامی ایران.

۲۸. موسوی، مسعود (۱۳۹۹)، امنیت ملی و تهدیدات نوین .*فصلنامه مطالعات راهبردی، ۲۸(۱۱۰)*، ۱-۲۵.

۲۹. نجفی، م. (۱۳۶۷)، جواهر الکلام. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

۳۰. نهج‌البلاغه، تصحیح صبحی صال: انتشارات آوای بهار.

۳۱. نظریه شماره ۲۴۴۰/۹۷/۷ تاریخ۱۰۵/۰۹/۱۳۹۷اداره کل حقوقی قوه قضاییه درباره محدودیت دسترسی قضات به اطلاعات مخابراتی و مصوبات دفتر نظارت بر اجرای اصل۲۵قانون اساسی https://wikihoghoogh.net/wik.

۳۲. وزارت دادگستری. (۱۳۸۸)،*پیش‌نویس لایحه حریم خصوصی جمهوری اسلامی ایران* . معاونت حقوقی ریاست جمهوری.

۳۳. ویکی امام خمینی. (۱۴۰۴)، حفظ نظام. بازیابی شده از https://fa.wiki.khomeini.ir/wiki/حفظ نظام

۳۴. ویکی فقه. (بی تا)، حریم خصوصی از منظر حقوقی.

۳۵.ویکی فقه.(بدون تاریخ).بازیابی از :

https://fa.wikifeqh.ir/حفظ_نظام_از_اوجب_واجبات_است.

منابع لاتین:

۳۶. Buzan, B., Wæver, O., & de Wilde, J. (1998). *Security: A New Framework for Analysis*. Lynne Rienner Publishers.

۳۷. Buzan, B., Wæver, O., & de Wilde, J. (1998). *Security: A New Framework for Analysis*. Lynne Rienner Publishers.

۳۸. Devlin, P. (1965). *The Enforcement of Morals*. Oxford University Press.

۳۹. Feinberg, J. (1984). *Harm to Others: The Moral Limits of the Criminal Law*. Oxford University Press.

۴۰. García, F. J., & Fernández, J. (2022). The Security Versus Freedom Dilemma: An Empirical Study of the Spanish Case. *Frontiers in Sociology*, ۷, ۷۷۴۴۸۵. https://doi.org/10.3389/fsoc.2022.774485

۴۱. Buzan, B., Wæver, O., & de Wilde, J. (1998). *Security: A New Framework for Analysis*. Lynne Rienner Publishers.

۴۲. Donohue, L. K. (2008). *The Cost of Counterterrorism: Power, Politics, and Liberty*. Cambridge University Press.